

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عطر شهادت

«پیرامون شهید و شهادت»

گزیده موضوعی وصیت‌نامه شهدای فرهنگی (دفتر سوم)

واحد انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران

سرشناسه: ■ عنوان و نام پدیدآور: عطر شهادت «پیرامون شهید و شهادت» ■ مشخصات نشر: تهران: سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی، نشر شاهد، 1391 ■ مشخصات ظاهری: ■ فروست: ■ شابک: ■ وضعیت فهرست نویسی: فیبا ■ موضوع: جنگ ایران و عراق، 1367-1359 - شهیدان - وصیت- نامه‌ها ■ شناسه افزوده: بنیاد شهید و امور ایثارگران، نشر شاهد ■ رده بندی کنگره: ■ رده بندی دیویی: ■ شماره کتابشناسی ملی:

آثار و اسناد شهدا و ایثارگران

عطر شهادت «پیرامون شهید و شهادت»

گزیده موضوعی وصیت‌نامه شهدای فرهنگی (3)

پژوهش و گزینش: فاطمه امیدی ویرایش و تنظیم: مقداد منتظری تدوین: سعیده اصغری آذر
نوبت چاپ: اول 1391 ■ شمارگان: 5000 ■ طراح جلد: علیرضا ذاکری ■ صفحه‌آرایی: ■ هماهنگی تولید: زهرا شیرکوند ■ امور لیتوگرافی، چاپ، صحافی: مؤسسه فرهنگی هنری شاهد ■ قیمت: 22000 ریال ■ شابک: ■
نشانی: تهران - خیابان آیت الله طالقانی - خیابان ملک الشعراء بهار شمالی - شماره 5- معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران - نشر شاهد تلفن: 88824749 - 88308089
توزیع: مؤسسه فرهنگی هنری شاهد ■ مرکز پخش: تهران: 66491851 فم: 0251-7830340 و فروشگاه‌های
نشر شاهد و سایر فروشگاه‌های معتبر

www.navideshahed.com





7	سخن ناشر	.1
9	پیشگفتار	.2
17	درآمد	.3
19	فصل اول: شهید؛ چراغ هدایت و شمع محفل بشریت	.4
41	فصل دوم: شکوه شهادت	.5
89	فصل سوم: تداوم راه شهدا؛ ادای تکلیف شرعی	.6

■ سخن ناشر ■

دوران ارزشمند دفاع مقدس گنجینه‌ای گرانبها از وجود دلاورمردانی است که در حماسه‌ای بزرگ آیین جهاد را جاودانه ساختند و خود در عین سادگی راست‌قامتانه تا آستان دوست پرگشودند.

میراث به جامانده از این عزیزان ودیعه‌ای گرانسنگ است که باید نسل به نسل حفظ شود تا بتواند ضامن بقا و استواری ایمان آیندگان گردد. وصایای شهدا شاخص‌ترین جلوه این میراث است که می‌طلبد در تلاشی خستگی‌ناپذیر مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته و پس از ساماندهی در اختیار نسل کنونی قرار گیرد تا راهگشای بسیاری از مسائل اجتماعی و سیاسی روز باشد.

نشر شاهد برای تحقق این مهم ضرورت نشر و ترویج اسناد مربوط به شهدا را بر خود فرض دانسته و می‌کوشد با روشی هدفمند و منسجم این وصایا را در قالب مجموعه کامل وصایا و یا گزیده موضوعی ارائه دهد.

علاوه بر تلاش‌های صورت گرفته در هر دو زمینه، اکنون این مجموعه با محور قرار دادن وصایای شهدای فرهنگی، بر آن است تا پرداختی ویژه نسبت به آرمان و اندیشه‌های این قشر از رزمندگان داشته باشد. حاصل این تلاش تدوین 10 دفتر در قالب گزیده موضوعی وصایاست که مسائلی نظیر: ولایت فقیه، روحانیت، حجاب، بسیج، شهید و شهادت، اهل بیت (علیهم السلام)، انقلاب و اسلام، دشمن‌شناسی، توصیه‌هایی به ملت، مسئولین، خانواده و ... را شامل می‌شود. استخراج این فهرست موضوعی از وصایا با توجه به موضوعات شاخص مطرح شده در وصیت‌نامه قشر فرهنگی صورت گرفته و خود این امر می‌تواند نشانگر دغدغه‌های فکری فرهیختگان زمان جنگ باشد.

نشر شاهد به خود می‌بالد که توانسته در سایهٔ عنایات پروردگار متعال و توجهات حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این مجموعه را به سامان برساند و امید است که بتواند دورنمای فعالیت‌های آیندهٔ خود را در آثار بعدی ترسیم نماید.

در پایان لازم است از تلاش‌های مستمر خواهران زهرا ملک‌پور، لیلا میرزاییان‌فر، زهرا مولائی و ملیحه وفا مقدم که در تدوین این مجموعه کوشیده‌اند؛ قدردانی نماییم.

نشر شاهد

پاییز 91



■ پیشگفتار ■

قصه عاشقی و روزهای عاشقی، قصه کهن روزگارانی است که حد و مرزی برای روزهای آن متصور نیست و در قید و بند زمان و مکان ننگجیدنی؛ «روزگاری آمد و گذشت.» و این حکایت دوران هجرانی است که بعد از قصه عاشقی می‌آغازد.

و چه بسیار است از این آمدن و رفتن‌ها و چه کم قصه مردانی که عاشقانه رفتند و به هنگام آمدن عاشقانه‌تر! نرد عشق باختن در مکتب عاشقی دلی به وسعت دریا می‌طلبند و تنها خدا را دیدن؛ و این چنین است روزگار دریادلانی که خود از نسل پاک دریا بودند و دعایشان در نهایت اجابت به طلب شهادت رسید. رسم غریبی است دل‌کندن از همه وابستگی‌هایی که تو را عمری پایبند خویشتن می‌سازد و گاه به تلنگری رشته این وابستگی می‌گسلد؛ به خیال ما، رسیدن به این گسستگی اتصالی به بلندای قاف می‌خواهد و سیمرغی که تا

قله‌ی آن رسیده؛ اما نقش خیال من و تو از جنس خاک است و گسستگان و رسیدن را بال پرواز از نیاز! همان‌هایی که روزی بر پیکرشان شقایق رویید و گلپوشان هزار حنجره شد برای فریاد و خونشان وارثی برای روزگار واماندگی. راستی خود را می‌گویم سنجیدن فاصله زمان من و تو با روزگار عاشقی اکنون به اندازه فرسنگی است یا سالیان نور را می‌خواهد برای رسیدن به ارتفاع درک این دلدادگی؟

به راستی ما را چه می‌شود وقتی در میانه این همه رنگ‌بازی، همیشه خدا را میان همه رنگ‌ها کم می‌آوریم و قصه عاشقی را از لونی دیگر می‌خوانیم! قصه‌ای که تا شب به پایان راه نرسیده دیدیم رنگ خدا را در سطر سطر این قصه! قصه آنانی که در خود خدا را دیدند و خیال و هوی و هوس را بریدند. مگر نه این بود که زمزمه درس مکتب و پای منبر، این بود که «معلمی شغل انبیاست ... کسی را که از او کلمه می‌آموزید، بنده اوید ...» بندگی و خلوص بندگانی که سیره‌ای پیامبرگونه برگزیدند و رسم آزادگی و سرافرازی را همراه آراستگی به مناعت طبع و عزت نفس ترجیح دادند و همه مرارت‌ها و اسارت‌ها را به جان خریده و از سنگر تعلیم و تربیت و علم و دانش به پرواز درآمده و در آسمان جهاد و شهادت به دفاع از کیان اسلامی بال خدمت گشوده و سرمست از شراب عشق الهی، راست‌قامتانه و گاه گمنامانه بر خاک خشوع افتادند، مثنوی عشق است؛ عشق مردانی که از سنگر مدرسه بر سنگر جهاد پیشانی‌ساییدند و با گذشت از خویشتن خویش، عین اصالت انسانیتی شدند که هم‌اره تاریخ را تبلور رنج همه انسان‌ها باشند. مصداق حدیث علوی، آنجا که مولا و مقتدای ایمان، حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «اینان نیایشگران نیمه‌های شب‌بند و شیران عرصه‌های جهاد و پیکار روز ...»

وصیت‌نامه شهیدان عرصه فرهنگ و تربیت و به گونه‌ای فاتحان قله‌های حماسه و ایثار همواره خط و نشان نقل شجاعت، خلوص، صداقت و عبادت این دلاور مردان است. و بی‌گمان غور و تفحص در خط به خط این سطور درکی به بلندی ایمان و بندگی را خواستار است تا در کاوشی بتوان این همه را جستجو کرد.

مطالعه وصیت‌نامه‌های شهدای فرهنگی کشور در میان خیل عظیم شهدای دیگر، بیانگر واقعیتی روشن از دنیای بی‌آلایش مردانی است که با وجود علم به تمامی خواسته‌های دنیوی زنجیر اتصال غفلت را از پای گشوده و بر گرده اسب راهوار آسمان بستند. و گواه این مدعا، دست‌نوشته‌ها و دل‌گویه‌هایی است که هنوز هم اگر گوشه چشمی بر آن‌ها انداخته باشیم، رگه‌های غیرت و جوانمردی را در روح و جانمان تکانی سخت می‌دهند که اندکی اندیشه بر احوال کسانی که سخاوتمندانه از سر سفره دنیا برخاستند و آنگاه در کنار جویبار جاری تجلی نشستند، چه حکایت دشواری برای روزمرگی‌های امروزی است!

نگاهی هنرمندانه از روی صداقت و بینشی روایت‌گرانه برای نقل آنچه خواهیم خواند؛ رفته رفته نگاه تزویر را از مقابل دیدگان حقیقت‌بین دنیایی ما کناری زده و نقش خدایی را بر تارک جان و شعور خواب‌زده ما حک می‌کند.

تفکر و اندیشه بسیجی ماورای تفکراتی است که در میان همه اندیشه‌های تعقلی دنیایی است و فرهنگ بسیج، تنها فرهنگ پایداری که ریشه در احساس خدایی و اسلامی جوانانی داشت که شانه‌هایشان از بیداد و ستم خم بود و سرانجام این اندیشه رساندن فریاد حق بر حلقوم استبداد بود تا سر دهند آنچه را که مایه سربلندی است. آنان مردان مردی بودند که با اتصال به منبع فیض، سالیان پربار جوانی خویش را به شوق اسلام زیستند و انس و الفتی دیرینه با

ائمه اطهار(علیهم السلام) داشتند. بینش بسیجی، در فرهنگ دنیایی معلمان و فرهنگیان شهید، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و بدایت و نهایت این تفکر همواره قله‌های معرفت و انسانیت را نشانه رفته بود. پرداختن به مسائل دینی و توصیه و سفارش دیگران علی‌الخصوص قشر تحت تعلیم آن‌ها از جمله مواردی است که در لابه لای دست‌نوشته‌های این بزرگان به چشم می‌خورد.

توصیه و سفارش به دعا و نیایش و اصل عمل به احکام نماز و روزه، تربیت و مبارزه با نفس اماره و حفظ و صیانت از حریم تقوی و حجاب، از نکات برجسته‌ای است که می‌توان با تکیه بر اعتقاد و ایمان راسخ از آن سخن به میان آورد. داشتن پشتوانه اسلامی و بهره‌گیری از تفکر ماورای دنیایی محصول تربیتی است که سالیان سال بزرگان ما در راه اشاعه و نشر آن کوشیده‌اند و بدین ترتیب در میان قشری به وقوع پیوسته که تربیت فرهنگی و علمی جامعه را عهده‌دار بوده است.

تدوین و گردآوری گنجینه‌ای گرانبها از زبان ماندگاران هشت سال دفاع مقدس و شهدای فرهنگی عرصه جهاد و شهادت؛ امروز تنها راه دسترسی به مستندترین سفارش‌ها و توصیه‌هایی است که می‌تواند بشریت امروزی را در راه پرفراز و نشیب زندگی، هدایت‌گر باشد.

تدوین ده مجلد از وصایای این شهدای گرانقدر هشت سال دفاع، تلاشی در حوزه پردازش و توجه به اصل مستندات شهیدان به ویژه شهدای فرهنگی است. اما آنچه در این میان از دیگر نکات موجود در وصایا برجسته‌تر و نمایان‌تر جلوه‌گر است، پرداختن به موضوعاتی در حوزه اسلام و انقلاب است.

گروه پژوهش با گردآوری مسائل و موضوع‌های گوناگون از میان وصیت‌نامه‌های موجود و در دسترس، ضمن پرداختن به اصل آنچه باید نسبت به

آن توجه وافی مبذول داشت؛ زمینه‌های شکل‌گیری و هدف‌مندی این اندیشه‌ها را از منظر دینی و انقلابی در بوته تجربه و تماشا نهاده است. نقطه حائز توجه در میان وصایا، حکایت اندیشه‌های متعالی است که در جای جای وصایا نمود عینی داشته و بیانگر نگاه عمیق و معنوی این قشر از شهداست. توجه به جایگاه والدین و ارزش‌گذاری این نعمت‌ها و حفظ حریم خانه و خانواده و بذل توجه به همسر و فرزندان از اولویت‌های خلق این آثار قرار گرفته است. از دیگر محورهای مورد بررسی در میان وصایا انگیزه‌های حضور در جبهه‌های جهاد و حفظ و حراست از میهن و از حریم مرزهای اسلامی و ایرانی است. آن روزها که بزرگ‌مردی از اهل عشق، پرچم اتحاد به دست گرفته بود و پیر و جوان در زیر آن علم، پیمان همبستگی خوانده بودند که تا آخرین نفس برای ایجاد مدینه فاضله اسلامی بکوشند، آیین مریدی و لیبیک‌گویی شهدا در پاسخ به ندای ولایت فقیه زمانه، از نقاط اوج وصایای ایشان متجلی است و نیز توجه به اصل ولایت فقیه و رهبری و صفات رهبری، امام خمینی و روحانیت، از جمله سفارش کاروانیانی بود که به سر منزل مقصود رسیده‌اند.

توصیه به دانش‌آموزان و همکاران فرهنگی، توصیه به جوانان و مسؤولین و در نهایت توصیه به ملت؛ برای همراهی و همدلی با رهبری که با بینش عمیق سیاسی و الهی و پشتوانه‌ای مردمی در دنیا بی‌نظیر است؛ و این مهم به دست نیامده است مگر به برکت و حرمت ارزش‌های متعالی اسلامی که برای احیای آن همه مردم از قشرهای گوناگون به پا خاسته و داعیه قیام و شهادت سر داده‌اند و این همه را مدیون روشنگری‌ها و هدایت‌های اهل بیت (علیهم السلام) و دستورات و ارشادهای ناب اسلامی و انقلابی الهام گرفته از دیانت و سیاست امام خمینی (رحمه الله علیه) بودند. کوله‌بار ارادت و خالصی آنجا جان می‌گیرد که

نیم‌نگاهی به آنچه از یادگاران جبهه و جنگ در این وانفسای دلزدگی باقی است، انداخته و عمل به فرامین و احکام الهی و شرعی را از نگاه آنان به تماشا می‌نشینم.

حفظ وحدت، دشمن‌شناسی و ارجحیت شهادت و تعالی مقام شهید در نزد پروردگار؛ از جمله سرفصل‌های بسیج و شهادت است و آنجا که آغاز راه است و تو هنوز زمین‌نخورده‌ای و راه رسیدن دراز؛ «اما من هنوز از تکاپو نیفتاده‌ام و دارم و ندارم دل عاشقی است که برای امام آورده‌ام و انقلاب نعمت خداست به ملت ایران، اما جنگ نباید وحدت و انسجام ما را بگسلد که تا پای جان ایستاده‌ایم و همه گوش به فرمان امام ...» و بی‌گمان این فصل، اوج فراز و فرود همه وصایا و تنها نکته اتکالی است که نهایت بینش شهدا را تا قله این اندیشه سوق داده است.

چه زیباست آنگاه که به بند «حلالیت» می‌رسی، طلب حلالیت و سفارش به صبر و بردباری را برای آنان که عمری نهال خفته در خاک آرزوها، را به امید ثمری تابستانی به نوازش روزها سپردند. دلت می‌خواهد تا نماز صداقت و راستی را به قامت این شهیدان اقتدا نمایی که نگاهشان تجلی اخلاص است و بیگانه با هر چه نام دنیا دارد؛ آن‌چنان دامن از آلودگی‌های دنیا برگرفته‌اند که امروزه روز یاد چنین بزرگ‌مردان، شور زندگی پاک و بی‌آلایش را در دل‌های «هنوز بیدار» برمی‌انگیزد. امروزی که زمانه در کمین اعتقاد ما نشسته است و ما بی‌دلیل بی‌آنکه بدانیم سال‌هاست بر لب سجاده مثل دعای بی‌اثر، روز و شب را تکرار می‌کنیم.

این‌ها همه سرآغاز فصولی است که از سطر سطر دل‌گویه شهیدان فرهنگی باقی است و اکنون به جاست تا در فصل ظلمات دل‌های غفلت‌زده تصویری تازه را از منظر نگاه شهدا وامدار باشیم.

در تدوین این مجموعه از گزیده موضوعی وصایا که اختصاص به شهدای فرهنگی دارد، با محوریت موضوعات شاخص مطرح شده در وصیت‌نامه‌ها مجموعه در 10 دفتر تهیه و تنظیم شده است که محتوای دفاتر آن به شرح زیر است:

1. دعا و نیایش
2. ولایت فقیه
3. شهید و شهادت
4. جبهه و جهاد و حفظ کیان اسلامی
5. توصیه به فرهنگیان و دانش‌آموزان
6. سخنانی با جوانان، مسئولین و ملت
7. اسلام، انقلاب و اهل بیت (علیهم السلام)
8. نماز و روزه، احکام اسلامی، حدیث نفس، تقوا و حجاب
9. وحدت، بسیج، دشمن‌شناسی
10. صبر و بردباری و حلالیت طلبیدن

این مجموعه از گزیده موضوعی وصیت‌نامه شهدا - دفاتر ده‌گانه شهدای فرهنگی - حاصل کار جمعی گروهی از کارشناسان متخصص در امر تصحیح و ویرایش متون است که در زمانی قریب 3 ماه حدود 3000 ساعت نفر کار کارشناسی صرف به ثمر رسیدن آن نموده‌اند.

در خاتمه امید است با عنایات خاص باری تعالی، این مجموعه بتواند به اهداف مورد نظر دست یافته و موجبات رضایت خاطر حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و روح طیبه شهدای انقلاب اسلامی ایران را فراهم آورد.

سعیده اصغری آذر



■ درآمد ■

اگر بخواهیم تمام رویدادهای بزرگی را که در تاریخ به وجود آمده و در صفحات آن ثبت شده ارزیابی کنیم رخدادی ارزشمندتر و تأثیرگذارتر از فرهنگ شهادت و اثر شهید نخواهیم داشت. شهادت بزرگ‌ترین قدرت یک جامعه است که بنیست نتوانستن‌ها را به فراخنای توانستن تبدیل می‌کند و راه را برای حرکت صحیح روشن می‌نماید. چنانچه امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید: «فابان له الطريق»؛ یعنی راه برای آن‌ها روشن می‌شود و این‌گونه است که جامعه بدون شهید جامعه بدون الگو و به دور از روشنی می‌شود اما تاریخ پرافتخار جمهوری اسلامی ایران سرشار از ایثار و فداکاری عظیم شهیدانی است که بر قله تعلیم و تربیت ایستاده بودند و درس شهادت و شجاعت همراه با بصیرت و دیانت را که از معلم کبیر خود، امام خمینی (رحمه الله علیه) آموخته بودند به فرزندان این کشور آموختند؛ آن‌ها در کنار مرزبانی فرهنگ به مرزبانی

میهن پرداختند و سخاوتمندانه و مؤمنانه جان خود را بذل نمودند و امروز ما در برابر عظمت آن‌ها با احترام به پا می‌خیزیم و دست ارادت بر سینه می‌گذاریم و برای پاسداشت آرمان‌ها و راهشان، از هیچ کوششی فروگذار نخواهیم کرد. باشد تا پرچم شهیدان معلم و معلمان شهید همواره و همواره در سرزمین مرام و منش این ملت در اهتزاز بماند. اکنون در این برهه از زمان که اقتدار ملی می‌تواند علاوه بر ابعاد علمی - اجتماعی در ابعاد فرهنگی نیز تجلی نماید، ضرورت پاسداری از این ارزش‌های فرهنگی بیش از پیش نمایان می‌شود که تحقق آن بر عهدهٔ یکایک ماست و چه زیبا فرمودند رهبر معظم انقلاب اسلامی که خود شهید زنده و جانباز پایندهٔ این کشورند که: «شهیدان سرافراز خود را تجلیل و تقدیس کنید و آخرین وصایای آنان را به کار بیاندازید.» این فرموده انگیزه‌ای شد که وصایای بکر و دست نخورده را از منبع غنی و فرهنگ‌ساز وصیت‌نامه‌های معلمان شهید استخراج و در ده جلد در مجموعه‌ای تحت عنوان **گزیده موضوعی وصیت‌نامه شهدای فرهنگی** مکتوب نمائیم باشد که با قلم، قدمی در راه نشر هرچه بیشتر این فرهنگ متعالی برداشته باشیم. این حرکت ارزشمند انجام نشد مگر با بذل مساعی ارزشمند عزیزانی که در حوزه‌های گوناگون کارشناسی - هماهنگی - اجرا ما را یاری رساندند تا بتوانیم میراث انسان‌ساز شهیدان را به نسل امروز و فردای جامعه، با امانت تمام برسانیم تا دعای خیرشان، نصرت امروز و عزت فردا را قرین راهمان کند که شهیدان زنده‌اند و نزد خدای متعال دعای مستجاب دارند.

اداره کل امور شاهد و ایثارگران

وزارت آموزش و پرورش

■ بخش اول: شهید؛ چراغ هدایت

■ و شمع محفل بشریت

✽ شهید غلامرضا آتش گوهری (1365-1332 کرمان)

مرا شهید نخوانید؛ چرا که شهید، افضل و برتر است. مرا شهید نخوانید که شهید بهتر و بالاتر از هر نامی و مقامی است. نمی‌توانم قبول کنم که مرا هم شهید می‌خوانند و [با این عنوان] تشییع می‌کنند. کاش می‌شد تمام تگه‌تگه‌های این جسم بی‌ارزش، فدای آرمان‌های اسلام بزرگ می‌شد. کاش می‌شد این جان ناقابل [و] بی‌ثمر، فدای انسان‌های پاک، همچون امام می‌شد. کاش این بنده گنهکار می‌توانست و لیاقت آن را داشت که خود را فدای مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و قرآن کند.¹

1- در اصل وصیت: می‌کرد

🌀 شهید سیدابوالفضل آتشی مریم‌آبادی (1366-1343 فارسی)

به یاد شیرزانی که هنگامی که خبر شهادت فرزندان خود را شنیدند، همچون زینب (سلام الله علیها) فریاد برآوردند و به یاد شهدایی که چون ندا و آوای حق [را] شنیدند، عاشقانه و لَبّیک‌گویان به سوی او شتافتند، در اوج انسانیت. بارخدا یا! این قربانی را از ما قبول بفرما. [شهدا با] جاری ساختن خون خود، حق و حقیقت را گواهی نمودند. به راستی شهدا شمع تاریخ هستند. آری! شهدا هستند که می‌سوزند و به دیگران [نور می‌رسانند]. آری! شهیدان در جمع کوردلان، روشنی¹ می‌بخشند به جمعی و خود تنها می‌سوزند، روشنایی می‌بخشند و دوست دارند شمع باشند و در دل شب‌ها بسوزند. مانند خورشیدی نورانی و تابناک هستند که از افق زندگی سر بیرون آورده و نور حیات‌بخش به اطراف و اکناف می‌پراکنند. [به] راستی [که] خود شهدا از این ماجرا باخبر هستند؛ زیرا که می‌دانند برای آن‌ها، بهشت جاودان است.

🌀 شهید علی ابراهیمی محمدآبادی (1365-1337 جرقویه)

منطق شهید از یک طرف، منطق عشق الهی است و از طرف دیگر، منطق اصلاح اجتماعی. دو شخصیت مصلح و عارف را اگر ترکیب کنند، از آن‌ها یک شخص² به وجود می‌آید؛ شهید به وجود می‌آید.

1- در اصل وصیت: به روشنی

2- در اصل وصیت: سؤال

☞ شهید یعقوب احدی مراغه (1366-1340 مراغه)

اکنون که با شما گفتگو می‌نمایم، روح خویش را در تن مادی خود در تلاطم می‌یابم. آرزوی دیدار لقای حق را دارم و رضوان الهی را خواهانم. می‌خواهم به دیدار معصومین و شهیدان بشتابم و به وصلت جانان رسم، اما چنین لیاقتی را در خویش نمی‌یابم. هم‌زمان خود را مشاهده می‌کنم که همچون یاران اباعبدالله (علیه السلام) و همچون انصار الله، مرگ را به بازی گرفته‌اند تا در راه خدا به مجاهده و مقابله بپردازند و دشمنان خدا را [از] روی زمین ریشه‌کن نمایند و در این راه پرمخاطره، مرگ را درک نمودند.

☞ شهید احمد علی ازگلی (1360-1338 شمیران)

پدر جان! از آشنایان و دوستان بخواهید که در حق من دعا کنند. امیدوارم که از رفتن من به سرای آخرت هیچ ناراحت نباشید؛ چرا که مرگ، حق است و چه خوب است که مرگ فی سبیل الله باشد و چه لذتی بالاتر از اینکه انسان شهید شود. شهید با خون خود، جامعه را به حرکت درمی‌آورد و امیدوارم که خون من هم چنین باشد و شهید با خون خود جامعهٔ ظلمانی و بی‌روح را چون روز روشن و نورانی می‌کند و راه را بر دیگران هموار. عزیزانم! شهید زنده و ناظر است.

☞ شهید محمد افروغ (1364-1344 فارس)

ای مردم شریف و مبارز، ای وارثان خون شهدا و ای پیروان خط سرخ ولایت فقیه! در این مرحله از زمان، انسان متعهد و مسئول باید تصمیم آخر را بگیرد، یا ذلت و خواری و یا درجهٔ والای شهادت.

🔖 شهید طمراس اقبالی (1367-1343 فیروزآباد)

شهید نمرده است، بلکه زنده است و شاهد اعمال شما می‌باشد. شما حق ندارید برای من گریه کنید و اگر گریه هم می‌کنید، برای مظلومیت حسین (علیه السلام) گریه کنید. شما در جلسه ختم من شیرینی بدهید که به شما تبریک بگویند؛ چون خونم را برای زنده نگه داشتن اسلام داده‌ام و هر لحظه در سیر مسافت ملکوتی، اندام خود را به رنگ مقدس خون، گل‌رنگ می‌کنم¹ و این خون پاک حسین (علیه السلام) است که از پیکر فرزندان مظلومش فواره می‌زند. این کربلای ماست که این بار در مصاف [با] شیطان بزرگ، صفحه صفحه سوزناکش شکل غم می‌گیرد و در مقابل، یزید و حرمله و فرزند زیاد، همگی در چهره آمریکای پلید جمع شده‌اند.

🔖 شهید حسن امجدی (1361-1334 000)

در مکتب ما، به گفته رهبر بزرگ انقلاب، امام خمینی «شهادت فوزی عظیم است و در قاموس شهادت، واژه وحشت نیست.» افتخاری بزرگ و بزرگ‌تر به این مکتب انسان‌ساز که هدفش ساختن انسانیت است که انسان ابزار نیست، هدفش شخصیت است که شخص نیست، هدفش رسیدن به معبود والای الله و در روی زمین، [برقراری] حاکمیت الله می‌باشد. اکنون بعد از سال‌ها مبارزه در راه رسیدن به حاکمیت الله و [فدا کردن] صدها هزار شهید که گواهان زنده همیشه تاریخ بشری

1- در اصل وصیت: چون من خون زنده به اسلام و هر لحظه در سیر مسافت ملکوتی اندام خود را به رنگ مقدس خون گل‌رنگ می‌کنند

هستند، عصارهٔ آن¹ حکومت جمهوری اسلامی می‌باشد، برای تمام آن‌هایی که مسئولیت‌پذیر هستند.

🌀 شهید اسماعیل بهاری (1366-1343 اراک)

فکر این را بکنید که همگی رفتنی هستیم، پس چه بهتر که این مرگ، شهادت در راه خدا باشد؛ زیرا شهادت یکی از اهدافی است که رزمندگان اسلام آن را در میدان نبرد با خصم زبون جستجو می‌کنند همچنان که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»²؛ «کسانی که در راه ما جهاد کنند، ما آن‌ها را به راه خودمان هدایت و راهنمایی می‌کنیم.» کم‌کم احساس می‌کنم که می‌توانم ردای زیبای شهادت را تنگاتنگ در آغوش خود بفشارم و تا ابد از خود جدا نکنم. شهادت، انتخابی است آگاهانه و مشتاقانه به سوی معشوق که نصیب هر کسی نمی‌شود. چقدر دورند از حقیقت کسانی که مدفون در وجود خویش‌اند و به مال و اولاد و تجمّلات زندگی که خداوند فتنه اش دانسته، سخت دل بسته‌اند.

🌀 شهید احمد پروندی (1364-1341 تهران)

شهید آن انسانی است که این قدم را برداشته و در راه رضای خداوند و پاسداری از دین خدا از جان می‌گذرد تا به فوز عظیمش نائل شود.

1- در اصل وصیت: و عصارهٔ آن

2- سوره عنکبوت؛ آیه 69

✎ شهید لطف‌الله ترابی اردکانی (1361-1333 اردکان)

این راه، سرانجامش شهادت در راه خداست که اگر نصیب شود، به میل و اراده و شناخت انتخاب کرده و سعادت را مبارزه در راه خدا می‌دانم و با تمام عشقم و علاقه‌ام، امیدوارم اسلام محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام)، به معنای واقعی کلمه و در عمق جامعه و ان شاء الله سراسر گیتی مستقر گردد.

✎ شهید امین‌الله ترکی هرچگانی (1364-1345 شهرکرد)

اسلام دین من است، حسین (علیه السلام) الگوی من است و امام رهبر من است؛ پس چه کشته شویم و چه فاتح، در هر [دو] حال پیروزیم؛ چرا که این گفته خداوند است. پس اگر پیروز شدیم و فاتح گردیدیم و به کربلای حسینی رسیدیم و مرقد مطهر آن حضرت را زیارت کردیم، این جانب هم به آرزوی دیرینه خود رسیده‌ام و اما اگر شهید شدم و نتوانستم به آرزویم برسم، باز چه سعادت‌ی بالاتر از این؛ چرا که مقامی بالاتر از شهادت نزد خدا وجود ندارد و همه زنده‌اند و نزد خدا روزی می‌خورند و همین شهادت‌هاست که دین مبین اسلام را زنده نگه داشته [است] ...

✎ شهید علی اکبر جعفرزاده (1361-1336 فیروزآباد)

با درود به رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی و سلام به تمام شهدای کربلای ایران که با خون خود، درخت اسلام را آبیاری و صفحات تاریخ را رنگین‌تر نمودند. همان‌طور که استاد شهید مرتضی مطهری می‌فرماید: «شهید تزریق خون بر پیکر اجتماع است. شهید است که با خون خود درخت اسلام را بارورتر می‌کند و با خون

خود پیام آزادی می‌دهد.» با خون، منافقین را رسوا و ابرقدرت‌ها را بیش از پیش به خواری و زبونی بکشانید.

☞ شهید مهدی جعفریان خلیل‌آباد (1365-1342 کاشمر)

خدایا! به محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بگو که پیروانش حماسه آفرینند. به علی (علیه السلام) بگو که شیعیان، قیامت به پا کردند. به حسین (علیه السلام) بگو خونس همچنان در رگ‌ها می‌جوشد، بگو از آن خون‌ها، لاله‌ها روید، اما چکمه‌پوشان سرخ لاله‌ها را لگدمال کردند، ولی باز هم لاله روید و اگر هزاران بار لاله‌ها را از بین ببرند، باز هم لاله خواهد روید. خدایا! عاشقانت همچون شمع ذوب می‌شوند و محفل بشریت را روشنایی می‌بخشند و سپاه ظلمت را قلع و قمع می‌کنند. بارالها! ما شیفتگان شهادت را شیرین‌تر از عسل می‌دانیم و از کشته شدن در راه تو هیچ بیم و هراسی نداریم، اما بیم از آن داریم که بعد از ما درخت ایمان پابرجا نماند. از یک سو می‌ترسیم که شهید بشویم و سنگرمان خالی بماند و دشمنان تو یگه‌تازی کنند و از سوی دیگر می‌ترسیم که شهید نشویم و در بستر مرگ که ذلت و ننگ ابدی را در بر دارد، بمیریم و از طرفی می‌ترسیم که شهید نشویم، زنده بمانیم و نتوانیم پیام‌رسان خون شهیدانمان باشیم.

☞ شهید محمدعلی جلالی (1364-1338 دلیجان)

با سلام و درود بر همه شهدا به ویژه سالار و سیدالشهدا، حسین بن علی (علیهما السلام) که آیات قرآنی را نصب العین خود قرار دادند و با مال و جان خود در راه خدا برای برپایی دین حق (اسلام) جان‌فشانی کردند و اسلامی بودن و مسلمان بودن را

نشان ما و مردم دیگر دادند که چگونه باید مسلمان بود و چگونه باید زندگی کرد و چگونه باید مُرد، مردنی که در آن سرافرازی و عزّت و شرف وجود دارد¹، نه خواری و ذلّت و نه زندگی حیوانی و پست در گناه و معصیت کردن.

❁ شهید زمان الله جلوداری (1365-1344 فیروزآباد)

درود بر شهیدان که راه سعادت [را] شناختند و جان خود را در آن راه باختند و به «عند ربّهم یرزقون»² رسیدند و ما خاکیان چه می‌دانیم که این «عند ربّهم یرزقون» چیست و آن‌ها که بخواهند این معنی را بدانند، باید قلم بشکنند و دم فرو بندند. درود بر این پروانه‌ها که سوختند و صدایی از آن‌ها به گوش نرسید و درود بر آن‌ها که شمع شدند در ظلمات. خدایا! مقام چه کسی نزد تو بالاتر و والاتر از مقام شهید است؟ مگر شهید نزد تو چقدر ارج و بها دارد که خود را خون‌بهایش قرار دادی و فرمودی که «و من قتلته و انا دیته»؟ و اما ای دوستان که قدرتان را نشناختم و ای امت شهیدپرور! بدانید که این حقیر که بسوخت و برفت، با شور و اشتیاق و با آگاهی و چشمان باز قدم به میدان نهاد و در این راه، گام زد تا شاید خونم که ناقابل است، در راه دوست [باشد] و باعث کمال اسلام گردد و همچنین عده‌ای را که هنوز در خواب غفلت به سر می‌برند، بیدار و بیدارتر سازد.

1- در اصل وصیت: به دنبال دارد

2- اشاره به «و لاتحسین الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربّهم یرزقون»؛ سوره آل عمران،

﴿﴾ شهید حسن جمالی (1361-1334 اهرم)

برادران و خواهران عزیز! شهید، خون خود را می‌ریزد تا [قوانین] اسلام عملی گردد و هیچ هدفی جز این نخواهد بود. بر این شهید باید گریه شوق کرد، گریه فراق کرد، گریه عدم وجود لازم او [را] کرد، نه گریه [و] نه اندوه [از روی ضعف].

﴿﴾ شهید نعمت‌الله حدیدی (1361-1336 سراب)

اگر رفتیم و شهید شدم، باشد که با شهادتم به دین اسلام و قرآن خدمتی کرده باشم و آرزوی نهایی بنده، شهادت در راه خداست و به جبهه رفتن برای من مانند رفتن به حجله عروسی است و بسیار خوشحال هستم.

﴿﴾ شهید حمیدرضا حسنی (1365-1349 همدان)

جانمان فدای امام باد. خونمان هدیه به اسلام و قرآن. ما می‌خواهیم که حسینی باشیم و در کربلای حسین (علیه السلام) جانبازی کنیم. آماده‌ایم تا طومار فرمان فرماندهان مخلص و زحمتکش را با خونمان امضا کنیم و در این راه از هیچ چیز نمی‌هراسیم. ما آمادگی خود را جهت هرگونه فرمان و مأموریتی اعلام می‌کنیم و با امام عزیزمان و شهیدان پیمان می‌بندیم [که] تا آخرین قطره خونمان، اسلام را یاری کرده [و] بر دشمن بتازیم تا ندای پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «**لا اسلام یعلوا و لا یعلی علیه**»، «اسلام برتر است و هیچ چیز بر او برتری نمی‌یابد» را بر جهانیان اثبات کنیم.

✽ شهید سیدابراهیم حسینی نوده (1364-1344 گرگان)

گرچه [در] دوران حیاتم نتوانستم مثمر ثمر برای اسلام باشم، اما شاید¹ با ریخته شدن خونم، دینم را نسبت به اسلام ادا کرده باشم.

✽ شهید بهرام حق نجات (1366-1342 تهران)

آن شهیدی ارزش والا دارد که با بذل جان خود موجب حرکت و انقلاب درونی اشخاص دیگر شود؛ در غیر این صورت فقط هدیه نمودن جان، ارزش چندانی ندارد. ان شاء الله خداوند ما را در گروه انسان‌هایی قرار دهد که همچون سیدالشهدا (علیه السلام) با خون خود موجب حرکت دیگران شدند.

✽ شهید حسین خزایی (1361-1334 ملایر)

ما می‌رویم تا از راه کربلا به قدس عزیز، این قبلهٔ آرزوهای شیرین مسلمانان پا نهیم. ما می‌رویم تا راست‌قامتان فلسطین را نیرو و توان الهی بخشیم. ما می‌رویم و شما ای آوارگان ایرانی و فلسطینی و ای مبارزین صحرا و دیگر جبهه‌های آزادی‌بخش جهان! آینده از آن ماست. «نصر من الله و فتح قریب»² و ننگ و نفرت باد بر رهبران جنایتکار حکومت‌ها و هر چه مستحکم‌تر باد پیوند ملت‌ها. آری عزیزان! ما می‌رویم تا تاریخ را بسازیم و روشن کنیم که شهید، قلب تاریخ است و شهید، شمع محفل تاریخ. شهادت زیباترین نوع مرگ است. شهادت، افشاگری است؛ اگر می‌توانی بمیران و اگر نمی‌توانی بمیر.

1- در اصل وصیت: تا شاید

2- سوره صف؛ آیه 13

☞ شهید فرج‌الله رضازاده (1361-1337 کازرون)

شهید همچون شمعی است که با فنا شدن و سوختن خود، محفلی و مجلسی را روشنی می‌بخشد، هرچند به نیستی او تمام شود و باید در راه اسلام، سوختن و نیست شدن مادی را تحمل کرد تا از جهت معنوی رشد کرده و به لقای خدا رسید. عشق فراق خداوند در دل هر که باشد، او را می‌سوزاند و این سوختن همراه با اشتیاق و علاقه است؛ زیرا تمام علایق دنیوی و آمال و آرزوهای مادی در نزد او همچون موم می‌باشد و مہار شده [است] که در هر آن حاضر است فنا شدن را بپذیرد.

☞ شهید مسعود رضانی اوزینه (1361-1342 گرگان)

آری! شهید گام برمی‌دارد در جهت هدف‌های اسلامی [و زمانی که] به انگیزه برقراری ارزش‌های والای بشری کشته بشود، به یکی از عالی‌ترین درجات و مراتب که یک انسان ممکن است در سیر صعودی خود [به آن برسد]، نائل می‌گردد. به راستی که شهدا شمع تاریخ بشریت هستند و خود می‌سوزند و نورافشانی می‌کنند، ولی مسئولیت‌های بر دوش شما را سنگین‌تر می‌کنند و شهیدان برای [حفظ] این ارزش‌ها گام [در میدان مبارزه] نهاده‌اند.

☞ شهید اسماعیل روزبهانی (1364-1347 ملایر)

سلام مرا به رهبر عزیزم برسانید و بگویید تا آخرین قطره خونم، سنگر اسلام را ترک نخواهم کرد. با خداوند پیمان می‌بندم که در تمام عاشوراها و کربلاها با حسین (علیه السلام) باشم. من در راه اسلام و قرآن می‌جنگم تا به امید الله، کربلا و

قدس را آزاد کنیم و ما رزمندگان، بنایمان بر این است که اول عراق باید از شرّ این غاصبین فارغ شود و بعد از آن شاء الله قدس عزیز.

✽ شهید قاسم سبزی علی (1362-1341 قم)

این خون شهیدان است که جامعه را به حرکت درمی آورد و انقلابی دیگر در درون و برون انسان‌ها به پا می‌سازد و نوید رهایی و الهی شدن انسان‌ها را می‌دهد.

✽ شهید محمدزمان شال باف (1364-1338 شوشتر)

قبل از هرگونه بیانی لازم است اظهار کنم با بررسی دوران زندگی و شناخت شخصی خویش، انتظار شهادت [را] در این زمان و مکان مقدّس داشتن برای خود، خیانتی بزرگ در حقّ این واژه عظیم و فرهنگ اصیل اسلام می‌دانم؛ زیرا که فکر می‌کنم شهادت یک حیات ابدی و جاودانگی بخشیدن به بُعد معنوی و انسانیت شخصی شهید [است] و این جاودانگی، پشتوانه عظیم تحرّک و تحوّل و حیات جامعه انسانی در حال تکامل و سیر الی الله است که مهم‌ترین آن نحوه حیات شهید است، نه چگونگی ممات او.

✽ شهید ابوالقاسم شیدا (1361-1337 بوشهر)

هر شهید شمعی بود که در میان این تاریکی، درخشش می‌نمود. اینک خود را آماده می‌کنم که شمعی باشم در کنار دیگر شمع‌ها. برای کامل نمودن این افق بسیار خرسندم. افق ایران می‌دمد که آسمان و زمین را روشن سازد.

شهید ایرج شیرزادفر (1365-1346 تهران)

به جاست که در حصار محدود مغز کوچکم، یک پرتوی از شعاع‌های نورانی بیابیزم که کوتاه‌ترین راه اتصال به بیکران باشد. شهادت را دریابم و شهدا را که دائماً الهام‌بخشند، شهدایی را که در قلوب همهٔ مردم زنده‌اند، شهدایی که در نزد خدا پایدار و زنده هستند. این تحوّل و این انقلاب و شهادت، یک انسان آلوده و ساقط را یک مرتبه بالا می‌برد [و این] خاصیت شهادت است. [و] یک مرتبه از جا کنده می‌شود. وقتی که به میدان شهادت آمد، در جستجوی هدف [است] و وقتی که دیدش وسیع شد، در بیکران وجود، این انسان چنان اوج می‌گیرد که همهٔ غرایز را به جا می‌گذارد و انسان ساقط [و] شهوانی و گرفتار غرایز، یک انسان عالی‌قدر می‌شود که پر و بال می‌گشاید و به طرف خدا حرکت می‌کند و مردانگی را به دنبال خود می‌کشد. این خاصیت شهادت است. شهدا شمع محفل بشریت‌اند.

شهید رضا صالحی (1365-1336 تهران)

شهادت، آرزوی قلبی من بوده [است] و شهدا همیشه زنده‌اند و شمع محفل بشریت‌اند؛ حماسه‌آفرینان سرنوشت‌ساز ملت‌های در بند و از بند رسته و خونی در رگ حیات اجتماع‌اند. آری! شهدا رهروان عاشقی هستند که با خون خود، تاریخ را می‌نگارند و حق را بر باطل پیروزی می‌دهند و خمیده نمی‌شوند و فرود نمی‌آیند. تیر خشمشان سینهٔ خصم را می‌درد و لرزه بر هستی غاصبان می‌افکند و الله اکبر گویان در صف سبقت به سوی پیکار با دشمن، جانانه می‌ایستند. شهدا سربلندان،

سرافرازان و به اهتزاز در آوردگان پرچم «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا»¹ هستند و ادامه‌دهندگان راه حسین (علیه السلام) و محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشند.

✽ شهید خان علی صالحی (1366-1333 ق.م)

«رکعتان فی العشق لا یصحّ وضوهما الا بالدم» که «در عشق دو رکعت نماز است و وضوی آن درست نیست، مگر با خون.» و ما اکنون در نیت نماز عشقیم. عاشقانه رضای حق را طلب نموده و با یقین [به] باز آمدن آن ساعت معلوم، باز شهادت به این می‌دهیم: «اشهد ان لا اله الا الله» و به خودش سوگند می‌خوریم که مرگ در زندگی سودایی نبود و رضای حق را طلب می‌نماییم که «الهی رضاً برضاک» و چنانچه شما حاضران بر شهادت‌م بیدارید، چنین است با شما سخنی که هر جا بنگری، جلوه‌گه شهادت غیبی او است.

✽ شهید نورالله طاهرخانی (1361-1335 قزوین)

برای حراست از دین مقدّس اسلام باید جان و مال داد و من آمده‌ام تا جانم را بدهم و با خونم درخت تنومند اسلام را آبیاری کنم و نامم را در دفتر سرخ تشیع که هر ورقش و هر سطرش با خون شهیدان نوشته شده است، ثبت کنم و با خون خود ندای اسلام را در تمام جهان طنین‌انداز کنم و به معبود و محبوب واقعی خود، یعنی الله برسم.

1- سوره آل عمران؛ آیه 103

﴿﴾ شهید حسن عضدی (1360-1325 رشت)

خدای خود را شاهد می‌گیرم که از او خواسته‌ام تا در راهش، یعنی در راه خلق مستضعف، شهید و شاهد باشم. جذبه و شور انقلاب، گاهی مرا چنان از خود بی‌خود می‌کند که نمی‌توانم به موج نپیوندم.

﴿﴾ شهید اسدالله عمارت‌ساز (1360-1340 کرمان)

مرگ سرخ و شهادت، بهتر از زندگی ننگین است. ما خون خود را در راه آزادگی و آزاد شدن از زیر بار استعمارگران و سلطه‌گران می‌دهیم و کشته می‌شویم، ولی هرگز ذلت و خواری را نخواهیم پذیرفت.

﴿﴾ شهید سعید غلامی سرحقی (1365-1343 تهران)

«والذین قتلوا فی سبیل الله فلن یضلّ أعمالهم»¹؛ «و آنان که در راه خدا کشته شوند، پس هرگز اعمالشان تباه نخواهد شد.» ... این آیه در زندگی، پرده‌های زیادی را از روی چشمانم گشود و حقایق را برایم باز کرد تا آنجا که وقتی دیدم دوستان عزیزم هریک به مرور زمان پرپر شدند و باز مشاهده نمودم که خون این عزیزان سبب شد که دیگران که خوابیده بودند از خواب جهل برخاستند و ادامه راه این لاله‌های پرپر شده را دادند، [ایمان آوردم به اینکه] والله که هرگز اعمال این شهیدان تباه نخواهد شد.

1- سوره محمد(ص)؛ آیه 4

☞ شهید عبدالرحیم فیروزی (1365-1340 فسا)

سلام ما و درجات تعالی پروردگار جهانیان، نثار شهدای در راه حق و حقیقت، از شهدای صدر اسلام تا شهیدان جنگ تحمیلی که با تقدیم هستی خود به هستی بخش عالم، دین مبین اسلام را از تهدید دشمنان که قصد نابودی آن را داشتند، [نجات دادند] و به طرف دوام و عظمت و عزت سوق دادند و این نعمت الهی را برای ما محفوظ نگه داشتند.

☞ شهید محمدعلی فیض یاب قلعه جوقی (1362-1337 سراب)

پروردگارا! هزاران هزار بار شکر که این نعمت را به من اعطا فرمودی که در راه تو کشته شوم. من که در هنگام زنده بودنم، نتوانستم به خدا و بندگان خوب خدا خدمتی کنم، باشد که با مرگم شاید نهالی به نهال‌های انقلاب اسلامی اضافه کنم.

☞ شهید غلام‌علی کریمی پیر بلوطی (1363-1342 شهرکرد)

باری برادران عزیز! جنگ، جنگ است و عزت و شرف ما هم در گرو جنگ است. اگر شهیدانی که ما دادیم، در نظرتان مجسم شود با خود می‌گویید خدایا! چرا باید این همه جوان از بین بروند و چرا باید این‌طور بشود؟ جواب چراها را باید از وصیت‌نامه‌های شهدا گرفت. جواب ساده است؛ زیرا امام حسین (علیه السلام)، سردار مسلمانان و الگوی استوار و مقاومت و جنگجوی مبارز در میدان، چنین جواب داد: «اگر خون سرداران رشید ما همانند دلیران صدر اسلام نبود، حق بر باطل پیروز نمی‌شد.» اگر خون دلیران ما نبود، ایران سنبل استواری و مقاومت قرار نمی‌گرفت. خون شهید است که پیام آزادی می‌دهد. خون شهید در راه واجب الوجود است که

پیام پیروزی مستضعفان را بر مستکبران و نوید دلنشین را سر می‌دهد. پس باید همیشه و همه وقت به یاد گلگون کفن ایران زمین بود و آن‌ها را فراموش نکرد.

﴿﴾ شهید علی‌رضا محمدبیگی (1364-1341 تویسرکان)

شهدا زنده‌اند و نزد خدای خود روزی می‌خورند¹ و شهیدان، شفاعت می‌نمایند و شهیدان، شمع محفل تاریخ بشریت‌اند و شهدا، قلب تپنده تاریخ‌اند و مادرم! خوشحال باش که خداوند به شما مانند هاجر یک فرزند چون اسماعیل عطا نمود و شما او را در راهش قربانی نمودید و رضای خدا را بر رضای خود پیش‌تر دانستید.

﴿﴾ شهید یعقوب مقبلی بهبهانی (1359-1329 خرمشهر)

راه من، خط سرخ توحید و هدفم، استقرار همیشگی پرچم حق علیه باطل است و دوامش خون می‌خواهد و می‌دانم که خدای بزرگ، جان را ارزان می‌بخشد و با شهادت، آن را گران می‌خرد. از این رو است که می‌خواهم جانم را با شهادت به معامله بگذارم. در پایان چشم به راه رحمت خدا و بخشش دوستانم هستم. قبرم به ساده‌ترین شکل ممکن، ولی مزین به آرم جمهوری اسلامی باشد. من آرزوهای بسیاری دارم که شهادت پاسخگوی همه آن‌هاست. بدان امیدم که با شهادت خود بتوانم یاری‌دهنده [دین] خداوند متعال و هموارکننده راه حکومت او باشم و معتقدم هنگامی که قلب شهیدی از تپش می‌ایستد، قلب تاریخ قوی‌تر می‌گردد و حق، پابرجاتر و باطل، ناتوان‌تر می‌گردد.

1- اشاره به «و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون»؛ سوره آل عمران، آیه 169

☞ شهید سیدمحمد موسوی درب امامزاده (1361-1336 خمینی شهر)

سلام خدا بر شهیدان اسلام از صدر تا کنون و درود و رحمت خدا بر شهیدان انقلاب و جنگ تحمیلی ایران. درود بر شهیدانی که با پیکر لاله‌گون خود و با تن به خون آغشته خود، درخت اسلام را آبیاری کردند و برای رهبر و عشق خود، حسین (علیه السلام) و حسین زمان خود، خمینی بت‌شکن، شرق و غرب را پیموده و سرزمین اسلام و ایران را از زیر چکمه مزدوران آمریکایی عراق آزاد کردند و آزادی و استقلال و شرافت انسانی و سعادت دنیوی و اخروی را برای ملت غیور و شهیدپرور ایران به ارمغان آوردند.

☞ شهید عباس مؤمنی (1360-1339 اصفهان)

از آنجا که زندگی، صحنه پیکارها و میدان مبارزه‌هاست و با این پیکارها و مبارزات است که انسان بارور می‌شود و شکل می‌گیرد و استعدادهايش را بیرون می‌ریزد و آزادی‌اش را می‌یابد و راهش را می‌شناسد و خودش در راه خودش و برای مقصد خودش گام برمی‌دارد و به زندگی‌اش ارزش می‌بخشد، در این میان و در این صحنه پریکار و مبارزه، شهید نیز حاضر می‌شود و براساس انتخابش و هدفش، حرکت و پیکار و مبارزه ویژه خویش را آغاز می‌کند و پیوسته در آغاز حرکت، مبارزه خویش را از درون شروع می‌کند، پیکار و مبارزه علیه تمام زشتی‌ها و پلیدی‌ها، امیال و خواهش‌های نفسانی، کج‌روی‌ها و انحرافات اخلاقی خویش تا بتواند برای پیکار و مبارزه نهایی علیه کج‌اندیشان، منحرفین، مفسدین، زورگویان [و] استعمارگران حاضر در این صحنه، خود را مهیا سازد و پیروزمندانه از صحنه بیرون آید؛ حال کشته شود یا بکشد در هر دو صورت شهید [است] و گواه موقّق صحنه زندگی

خویش خواهد بود؛ زیرا اگر کشته شود، شهید افقی و اگر بکشد، شهید قائم خواهد بود. شهید کشته می‌شود تا انسان را از کم و کیف پیکار و مبارزات موجود در صحنه آگاه سازد و شهید کشته می‌شود تا با خون خود، اذهان آلوده به شرک و کفر را بشوید و نهال ایمان و یقین را به جایش برویاند و شهید کشته می‌شود تا رگ‌های بی‌خون انسانیت را خون بخشد، تا انسانیت از دست رفته دوباره جان گیرد و شهید می‌آید تا با شهادتش، جرأتش، ایثارش [و] از خودگذشتگی‌اش، به حیات فرعونیان، یزیدیان، پهلویان [و] صدّامیان زمان خویش خاتمه دهد و شهید می‌آید تا چهره‌های دورویی فروخته [شده] در قالب یک‌رویی را افشا سازد و ای خواهر و ای برادر! شهید می‌آید تا چگونه زیستن و چگونه مردن را به ما یاد دهد.

✎ شهید اسدالله مونس‌علی (1362-1341 تسوج)

سلام بر شهدای گلگون کفن اسلام از کربلای حسین (علیه السلام) تا کربلای خمینی که با انتخاب خطّ سرخ شهادت خود به زندگی ذلّت‌بار با یزیدیان [تن نداده و] درس چگونه زیستن و چگونه مردن را به ما آموخته و این درس را به ما یاد دادند که حتی اگر قرار باشد بهترین عزیزانمان را به خاطر دین خدا از دست داده باشیم، هرگز سر تسلیم و سازش در مقابل ظالمان فرود نیاورده و همواره بار مظلومان باشیم و سلام گرم ما بر پویندگان راه سرخ حسینی که پروانه‌وار از ایثار و جانبازی مضایقه نمودند.

شَهِیدِ مُحَمَّدِ رِضَا میرزا گل (1365-1342 ق.م)

«اللّٰهُمَّ اِنِّي اسئلك ان [ت]جعل وفاتي قتلاً في سبيلك»، خداوندا! مرگ مرا شهادت در راه خودت قرار بده ... خدایا! تو می‌دانی که من چیزی عزیزتر از جانم، آن هم جان بی‌ارزشم که امانتی از خود تو است، ندارم تا فدای اسلام و قرآن کنم. تاریخ خونین شیعه و رهروان خطّ سرخ شهادت در بستر زمان، برای تحقق آرمان‌های الهی و هدف پیامبران، متحمّل¹ زجر و شکنجه‌ها و شهادت‌ها شده و در راه کسب عزّت انسانی و حیات الهی [خون‌ها]² داده و نسل وارثان این خون [و] رشدیافتگان در این مکتب، پرچم «لا اله الا الله» و «محمد رسول الله» را به دست ما داده تا ما رهروان روح الله با فریاد «لَبَّيْكَ يَا خَمِينِي» و با پیروی از خطّ سرخ شهادت حسین (علیه السلام) در عاشورای تاریخمان، حماسه و عزّت و افتخار برای مسلمین بیافزینیم و با خون خویش درخت اسلام را آبیاری کنیم و درس چگونه زیستن را به انسان‌های دربند ستم بیاموزیم، [حتّی] اگر به شهادت‌مان بینجامد و باز هم [اعلام می‌دارم که] شهادت، میوه شیرین جان من و عطر همیشه معطرّ روح من است؛ همان‌طور که پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «فَوْقَ كُلِّ [ذِي] بُرٍّ حَتَّى يَقْتُلَ الرَّجُلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاذَا قَتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَيْسَ فَوْقَهُ بُرٌّ»؛ هیچ قطره خونی در نزد خدا برتر از خونی که در راه خدا باشد، نیست. در این صورت ما که فرزند سرخ شهادتیم در فضای عطرآگین جبهه ایمانمان می‌باید که پاسدار شرف و عزّت انسانی باشیم و با هرگونه چهره کفر و استکباری مبارزه کنیم و یک بار دیگر با خون خویش و مظلومیت مکتبمان، خطّی سرخ بر تمامی کاخ‌های یزیدیان زمان از صدّام خائن تا

1- در اصل وصیت: دارای

2- در اصل وصیت: ناخوانا

هر کجا که ظالمی هست، بکشیم و سند پیروزی خون بر شمشیر را در لاله‌های رویده از باغ‌های سرخ شهادت به نسل‌های تشنه حقیقت به رسم امانت به یادگار دهیم.

❁ شهید محمد نادعلی (1361-1339 دلیجان)

می‌رویم تا خصم زبون را نابود سازیم و پرچم «لا اله الا الله» را در فراز قلعه‌های کشور عراق به پا داریم و می‌رویم دین محمد رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) را زنده کنیم. مگر این نیست که اسلام با خون ما زنده می‌شود؟ و چه خوب به ما درس داد سرور شهیدان، حسین بن علی (علیه السلام): «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی فیاسیوف خذینی»؛ «اگر با کشته شدن من، دین محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) زنده می‌ماند، پس ای شمشیرها! مرا در برگیرید.» آری! می‌رو [یا]م تا با کشته شدنمان، [نهیضت] ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) و دین محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را زنده کنیم و به «هل من ناصر ینصرنی» لبتیک بگوییم.

❁ شهید اصغر نصر آبادی (1360-1338 سبزوار)

باید بدانید که قدرتمندان، آن‌چنان شلاق بر محرومین جهان زده‌اند که خون در بدن [آن‌ها] راکد شده و از جریان افتاده است¹ و شهید است که همچون قلب، با هدیه خون به رگ‌ها، برای تن شلاق خورده خون می‌رساند و مستضعفین را از خطر مرگ و از زیر یوغ خدایان دروغین به در می‌آورد. ما هم پیرو اسلام و پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و امامانی می‌باشیم که زندگی‌شان را در راه مبارزه و جهاد صرف

1- در اصل وصیت: افتاده است

کرده‌اند و اینان‌اند رهبران ما که یکایک شهید شده‌اند و در مبارزه در راه حق، این همه رنج دیده‌اند.

❖ شهید خلیل نقی‌زاده (1362-1342 م‌مرد)

سلام و درود فراوان بر ارواح پاک شهدای اسلام از صدر اسلام تا شهدای کربلای حسین (علیه السلام) و تا کربلای لاله‌های سرخ و شهدای گمنام ایران و صبر و شکیبایی خواستن از درگاه خداوند متعال برای خانواده معظّم شهدا، حالا ما هم به خاطر رضای خدا و خشنودی خدا باید از جان و مال بگذریم تا اینکه دین مبین اسلام زنده بماند؛ زیرا که حق همیشه بر باطل پیروز است و ما نیز حق هستیم و کافران ناحق و خون شهیدانمان، آخر بر باطل پیروز می‌شود.

❖ شهید علی اکبر وکیلی (1365-1341 سبزوار)

ای پدر بزرگوار و مادر مهربان! می‌دانم که در زندگی، سختی و رنج فراوان متحمل شده‌اید تا چنین اولادی را تربیت نمایید و شهادت من برای شما سخت است، اما بدانید شهید، شاهد است و همیشه در جوار شما و با شما خواهد بود و مرگ برای کسانی تلخ است که ناباورانه و بدون اعتقاد به معاد دنیا را ترک کنند، ولی بنده اعتقاد راسخ به آخرت و معاد دارم. شما هم نیز دیگر غم و ملالی نداشته باشید.

■ بخش دوم: شکوه شهادت ■

✎ شهید محمود آتش پوش (1330-1359 آستانه)

بعد از مرگ من، کلمه شهادت را در مورد من به کار نبرید؛¹ چون شهادت کلمه‌ای است بزرگ که من شایسته آن نیستم.

✎ شهید رحیم آنجفی (1332-1362 اراک)

[ای دشمنان خدا!] ... ما خوش نداریم با تیرکلاش‌هایتان شهید شویم، بلکه دوست داریم با تیر مستقیم تانکتان و سخت‌تر از آن، تگه تگه شویم و صدای الله اکبرمان به بزرگی عالمین [باشد]. ای دشمنان اسلام! بشنوید «اشهد ان لا اله الا الله

1- در اصل وصیت: کلمه شهادت را از من بردارید

و اشهد انّ محمداً رسول الله و اشهد انّ علياً ولي الله» [را] که تا آخرین قطره¹ خونمان و هستی‌مان پایش ایستاده‌ایم. بجنگید تا بجنگیم.

✎ شهید رضا ابراهیم پور (1365-1344 استهبان)

به نام آن خدایی که زمین و زمان را آفرید. به نام خدایی که جهان و مکان [را] آفرید و به نام آن خدایی که انسان را آفرید و در او از روح خود دمید و او را مختار کرد که راه هدایت و سعادت یا راه مذلت و گمراهی را برگزیند. آری! آن خدا شهادت را برای بندگان مخلص خود قرار داد تا بتوانند مشکلات و سختی‌ها را تحمل و به سوی خالق پرواز کنند.

✎ شهید صالح ابراهیمی شاهد (1362-1328 اردبیل)

با درود بی‌پایان به روان پاک شهدای انقلاب اسلامی ایران و با سلام و درود به خانواده شهدای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که با صبر و استقامت خود پشت ابرقدرت‌ها را به لرزه درآورده‌اند و ابرقدرت شرق و غرب را ناامید کرده‌اند و ملت مسلمان ایران را سرفراز نموده‌اند ... مادرم! شما می‌دانی که بازگشت همه به سوی خداست و همه خواه ناخواه [از] این دنیا رفتنی هستند و مرگ به سراغ همه خواهد آمد، اما چقدر خوب است قبل از آنکه به سراغ ما بیاید، ما به سراغ او برویم. اما اگر ما به سراغ مرگ رفتیم، دیگر آن را نتوان مرگ نامید؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «گمان نکنید کسانی که در راه ما شهید می‌شوند، مردگان‌اند. آن‌ها زنده هستند و

1- در اصل وصیت: و تا آخرین قطره

در نزد من روزی دارند.»¹ بنابراین مادر! از شهادت‌م ناراحت مباش که شهید زنده است. برایم صبر و استقامت کن و شهدای کربلا را از یاد مبر و در عزای من طوری عمل نکن که منافقین خوشحال شوند.

❁ شهید محسن احمدپور (1366-1344 اصفهان)

مرگ نه به معنای نابود شدن، بلکه به معنای رخت برپستن از این دنیا و رفتن به دنیای دیگر است. حال کسی که [این] سعادت نصیب او می‌شود، باید در دنیا بیشتر تلاش کند که فرمان خدا را اطاعت نماید² و بین تمامی انواع مرگ، هیچ‌کدام به شیرینی مرگ در راه خدا³ نمی‌رسد که [رازی] در شهادت فی سبیل الله نهفته است. [خوشا به حال کسانی] که در کربلای حسین لبیک گفتند. خدا ما را با شهیدان کربلا و انقلاب اسلامی محشور گرداند.

❁ شهید کریم احمدنژاد (1361-1325 اندیمشک)

از عشق به شهادت هرچه بگویند و بنویسند و صحبت کنند، چون قطره‌ای از دریا گفته‌اند. باید که به دریا پیوست و خویش را به زحمت انداخت تا این راه، هموار شود، وگرنه نخواهی پیوست که جویبارها با کوشش بسیار به دریا می‌رسند. اگر جلوی پایت را سد کردند، نه‌راس که چون جویباری [هستی] که از چشمه

1- اشاره به «و لاتحسین‌الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم يرزقون»؛ سوره آل عمران،

آیه 169

2- در اصل وصیت: کرده

3- در اصل وصیت: و مرگ در راه خدا

کوهساران در حرکت به سوی جایگاه اصلی خویش [است] که اوّل از آنجا بوده و همچون قطره [ای هستی] که [از] اوّل از دریا بوده [است].

❦ شهید اسدالله احمدنیای مطلق (1364-1341 جهرم)

وای به [حال] آنان که به طور اجبار دنیا را ترک می‌کنند، در حالی که متعلق به دنیا هستند و قبل از آن که خودشان را برای وداع آماده کرده باشند، اجل مرگ به سراغ آنان می‌آید و آنان را با تمامی تعلقاتشان می‌گیرد و خوشا به حال کسانی که خود به استقبال مرگ می‌روند و مرگ سرخ را بر مرگ سیاه ترجیح می‌دهند، اما این مرگ در صورتی خوب و زیباست که در راه مکتب باشد و رضای خدا در آن باشد؛ یعنی در حالی که انسان دارد از دنیا می‌رود، بداند که خدا از او راضی است. «یا ایتها النفس المطمئنّه، ارجمی الی ربک راضیه مرضیه، فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی»¹.

❦ شهید سیف‌الله احمدی (1365-1350 گچساران)

خانواده عزیزم! خودتان می‌دانید که من مال شما نیستم و از خدایم و باید به سوی او هم بروم. فرزندانم! تنها خواهشی که من از شما دارم، این است که هنگامی که خبر شهادت پدرتان به شما رسید، نگران نباشید و افتخار کنید ... دوست دارم که همچون شهید مظلوم، بهشتی، به شهادت برسیم و بدنم همچون سرور آزادگان، تگّه تگّه شود. خداوند! چندین بار است که به جبهه آمده‌ام، ولی مثل این بار خوشحال نبوده‌ام، اما این بار مثل پرنده پرواز کرده‌ام و به طرف تو آمده‌ام. خدایا! من جایی ندارم. آمده‌ام به در خانه تو که مرا پناه دهی.

1- سوره فجر؛ آیات 30-27

﴿ شَهِيدِ مُحَمَّدِ رِضَا اَحْمَدِي زَمَانِي (1365-1341 نائين) ﴾

شهادت يك فضل است و رحمت؛ زيرا كه مرگ، حق است و ما به آن راضي هستيم. اگر شهادت نصيب شد، اى دنيا! بدانيد كه اين، از رحمت خداوند بوده و نمى دانم كه اين خداوند چقدر غفار و ستار العيوب است. مردم! اين كلمات را باور كنيد؛ بدون تعارف از ته دل و [با] تمام وجودم مى گويم. [سلام بر] شهداى عزيزم و [شما] خانوادهٔ معظم شهدا و اُسرا كه از جگر گوشه هاى خود در راه اسلام گذشته ايد. اسلام شايد تاكنون چنين امتى را به خود نديده باشد. مبادا آن ها را فراموش كنيد كه به ياد فرزندان شان غصه بخورند و يا شياطين در دل آن ها رخنه [كرده] و دل آن ها را به هزاران راه ببرد.

﴿ شَهِيدِ عَلِيِّ قِرْبَانِ اسَدِي (1365-1343 اراك) ﴾

شهادت، برترين معراج انسان است ... شهادت، بالاترين درجهٔ كمال انساني است. براى هر فرد، امكان چنين سعادتى نيست ... شهادت از نظر اسلام براى شخص شهيد [نه تنها] يك موفقيت است، بلكه بزرگ ترين موفقيت او است، بلكه بزرگ ترين آرزوى [او است]. ما مسلمانان معتقد به اين جمله هستيم كه امام حسين (عليه السلام) فرمود: «جَدَمَ به من فرموده است: تو درجه اى نزد خدا دارى كه با شهادت به آن درجه نائل خواهى شد.» شهادت با شهيد در جامعه دو رابطه دارد: يكي رابطه اش با مردمى كه اگر زنده و باقى بود، از وجودش بهره مند مى شدند و ديگر رابطه اش با كسانى كه زمينهٔ فساد و تباهى را فراهم کرده اند و شهيد به مبارزه با آن ها برخاسته و به دست آن ها شهيد شده است. شهادت براى خالصان خدا مرگى است شيرين و لذت بخش تا آنجا كه على (عليه السلام) مى فرمايد: «به خدا قسم هيچ امر مكروه و

خلاف انتظاری برای من رخ نداده است؛ همان رخ داده که می‌خواستیم و به آرزوی خود که شهادت است، رسیدیم.» و حالا که من یک بندهٔ حقیر گناهکار خدایم، عاجزانه از او طلب مغفرت می‌کنم^۱ و شخصاً آرزوی من این است که مرا در عشق به حسین (علیه السلام) بسوزاند و تمام وجودم را فدای یک لحظهٔ عمر رهبرمان، خمینی بت شکن کند. من این را از خدا می‌خواهم که از سر تقصیرهایم درگذرد و پاک و بدون گناه، شهادت را نصیب من کند.

✎ شهید یوسف اسماعیل دخت (1361-1329 فسا)

ای هموطن! شهادت آرزویی [است] که هر مسلمان به دنبالش می‌گردد تا آن را بیابد و به دنبال آن می‌رود. این چند کلمه را هنگامی می‌نویسم که برای جهاد به سرزمین خونبار خوزستان می‌روم و هر لحظه به شهادت نزدیک‌تر می‌شوم و پیش از هر چیز خدا را شکر می‌کنم که توفیق یافتم به ندای حسین (علیه السلام) لبیک گویم و ای خدای بزرگ! من به درگاہت طلب آمرزش از گناهان خود می‌کنم که تو مهربان و بخشنده هستی و از گناهانم درگذر و مرا در گروه شهیدان قرار بده.

✎ شهید سید حسین اسماعیل زاده موسوی (1362-1336 بابلسر)

شما امت حزب الله و همیشه در صحنهٔ ایران! حال به جبهه می‌روم و پای در پوتین خود می‌کنم و سینه‌ام را در برابر گلوله‌های دشمن سپر می‌کنم تا اینکه دشمن نتواند از من بگذرد و به طرف ایران عزیز و وطن اسلامی تجاوز [کند]. سینهٔ دشمن را هدف قرار می‌دهم و تا آنجایی که قدرت دارم، گلوله‌ام را بر ایشان روانه

1- در اصل وصیت: می‌خواهم

می‌کنم تا آنان را از پای درآورم و ترس را در دلشان بنشانم و از خدای بزرگ می‌خواهم که مرا یاری کند تا در راه او و برای رضای او گام بردارم و دانستم که اسلام، حق است و هرچه زودتر باید به دامن حق شتافت ... شهادت هجرت¹ است، از خودگذشتن و به بهشت و پیامبران و امامان شریف (علیهم السلام) و یاران باوفای آنان رسیدن. شهادت هجرتی است که از ساختن روح شروع می‌شود و تا آنجایی [به پیش می‌رود] که به دیدار خدا می‌رود و به دیدار صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می‌رود.

✎ شهید غلامرضا اکبری باصری (1362-1333 خرم بید)

شما به خوبی می‌دانید که شهادت، مرگ نیست و ما از شهادت، هراسی به دل نداریم؛ چون که شهادت، مکتب ماست و آن کسی هراس دارد که شهادت، مکتب او نیست. بله، ما ملت ایران اگر همه در راه خدا و برای دین اسلام کشته شویم، کم است.

✎ شهید مسعود امیری باغبادرانی (1360-1339 زرین شهر)

پدر و مادر، برادران و خواهران مسلمانم! آرزو دارم که انسان باشم؛ انسانی حسین‌وار، انسانی که با شهادتش زندگی نوین را آغاز نمود؛ چون می‌دانم به خاطر خدا مردن، یک موفقیت است و کمال آرزوست و این منتهای آرزوی من است. در بحبوحه انقلاب خونبار ایران که از هر طرف، آماج گلوله‌های آمریکایی و روسی قرار گرفته است، [آن‌ها] بهترین و مؤمن‌ترین افراد این جامعه را به شهادت می‌رسانند و

1- در اصل وصیت: هجرتی

به خیال خام خودشان می‌خواهند جوانان ما را بترسانند. چه خیال خامی در سر می‌پرورانند.

❖ شهید نادر ایزدپناه (1364-1343 ایذه)

بزرگ‌ترین افتخار من این است که در چنین زمانی و تحت رهبری چنین امامی جهاد [می‌کنم] و آرزوی من خالصاً در راه خدا قدم برداشتن و رسیدن به درجه‌ی والای انسانی، یعنی شهادت [است]؛ شهادتی که برای یک مؤمن، مثل طفلی است که سراغ پستان مادر می‌رود.

❖ شهید غلامرضا بابایی (1365-1345 شیراز)

در خودم لیاقت شهید شدن را نمی‌بینم، ولی هر وقت که فکر شهید شدن را می‌کنم و در کنار آن، خشنودی و رضایت خداوند [را] می‌بینم، خوشحال و ذوق‌زده می‌شوم. به قول معروف، مرگ شتری است که در هر خانه‌ای خوابیده است؛ پس چه بهتر که ما این جان را فدای اسلام کنیم و هم در دنیا و هم در آخرت سربلند و جزو اصحاب یمین باشیم و امروز، روز امتحان است، روز امتحان کسانی که ادعا می‌کنند که اگر ما روز عاشورا بودیم، نمی‌گذاشتیم امام حسین (علیه السلام) تنها بماند و می‌گویند: «یا لیتنی کتا معک».

❖ شهید محمد بادرام (1361-1336 فسا)

سلام بر عاشورا و شهیدان روز عاشورا؛ از 15 خرداد تا کربلای معنوی و پروسعت خوزستان. قاموس شهادت، دریای بیکرانی از معنویات [است] که دل عاشقان الله را

به هیجان می‌آورد و آنان را [که] در صراطی مستقیم می‌روند، امیدوارتر می‌کند. دشمنان انقلاب ما بی‌توجه به وجود شهادت در مکتب حیات‌بخش اسلام، از هر طرف به ما هجوم آورده و بر خیانت‌های خویش^۱ می‌افزایند و در این موقعیت، طبقه‌ای حامی انقلاب‌اند و از انقلاب اسلامی پاسداری می‌کنند.

❁ شهید محمدحسین باغ‌شیرین (1365-1347 دهشت)

به خداوندی تو قسم می‌خورم که اگر در راه تو به شهادت رسیدم، این شهادت را به درگاه خود قبول بگردان؛ شهادتی که نه از راه ترس باشد و نه از راه هوا و هوسرانی، بلکه شهادتی باشد برای رضایت تو و در راه تو.

❁ شهید حکمت بالیده‌کرانی (1365-1344 فارس)

نه دنیا برای مردن [است] و نه برای زنده ماندن؛ پس همه در این دنیا مسافریم و راهی است که باید پیموده شود، اما راهی بهتر از شهادت نیست؛ چون انسان را سالم به سرمنزل مقصود خواهد رساند.

❁ شهید محمد بنکدار (1359-1331 تهران)

با تمام وجود شهادت که سعادت بی‌بزرگی است را می‌پذیریم؛ چرا که شهادت، حدّ نهایی تکامل یک انسان است و نیز شهادت، ردای شرفی است که عاشقان الله را به خود زینت می‌دهد.^۲

1- در اصل وصیت: خیانات خویش

2- در اصل وصیت: می‌زبید

🌀 شهید سیدمجتبی بنی جمال (1364-1348 تهران)

به این فکر هستم که آیا ما لیاقت شهادت در راه خدا و لیاقت سرباز اسلام [بودن] را داریم تا برای اسلام فدا شویم؟ از خداوند می‌خواهم که همه این کارها را نصیب من کند. آری ای زندگان! آگاه باشید که قافله مرگ، همچنان به مقصد نیستی در حرکت است و شما نیز به زودی بدان ملحق می‌شوید. قبل از هر چیز باید بگویم که کشته شدن من و هزاران جوان دیگر، فقط به جرم اعتقاد به وحدانیت خدا و رسالت محمد بن عبدالله (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشد و بدانید که این کشته شدن‌ها یک نوع باختن نیست، بلکه یک فوز عظیم است که خدا هر کدام از بندگان را [که] شایسته فوز بداند، او را به این نعمت بزرگ مفتخر می‌سازد و اکنون [درخت] اسلام نیاز به آبیاری دارد و تنها با خون جوانان به ثمر خواهد رسید.

🌀 شهید حمیدرضا بهبود (1365-1335 کازرون)

دوستان و برادران! به شهادت در این راه به چشم یک باخت نگاه نکنیم، آن را تمام حرکت نپنداریم، پایان حیات ندانیم، بلکه در گیر و بند دنیای مادی ما مرده بودیم؛ اینک در جوار رحمت حق، حیات حقیقی خویش را باز می‌یابیم و متنعم در نعمات او می‌شویم. اگر به این سعادت عظیم برسیم، چه خوش است کسب این فیض و سعادت و چه نیکوست این حیات در قرب الی الله و چه نیکوست ورود به جمع¹ یاران حسین (علیه السلام) و چه زیباست هم‌محفل یاران در قرب الی الله شدن.

1- در اصل وصیت: جمیع

✎ شهید تقی بهمنی (1360-1335 همدان)

من شهادت را دوست دارم؛ زیرا هر لحظه به استقبال آن می‌روم و با خون خودم می‌خواهم اسلام را یاری کنم، اگر خدا این قربانی را از خانواده من قبول کند.

✎ شهید جعفر بیاتانی (1360-1337 اراک)

بهترین لحظه عمر من، لحظه شهادت من است. آن موقعی که اولین ضربه را می‌زنم یا می‌خورم، می‌خندم و الله اکبر می‌گویم و دوباره تا آخرین قطره خونم به مبارزه ادامه می‌دهم تا به لقاء الله برسم.

✎ شهید بهمن پرویز (1361-1341 نقه)

داستان شهادت و آنچه¹ که شهادت تداعی می‌کند، به قدری حساس و به قدری هیجان‌انگیز و عاشقانه است که روح را به آتش می‌کشد و منطق را فلج می‌کند.

✎ شهید محمد جعفر پوراکبری ابرقوئی (1361-1339 ابرکوه)

«به راستی که خداوند، جان‌ها و مال‌های مؤمنین را از آن‌ها خریده است تا اینکه بهشت را عطا کند؛ زیرا اینان در راه خدا کارزار می‌کنند؛ پس می‌کشند و کشته می‌شوند.»² ... کشته شدن و شهید شدن، آرزوی هر مسلمانی است؛ پس اگر من کشته شدم، نگذارید کسی اشک چشم شما را ببیند و اصلاً ناراحت نباشید؛ زیرا که

1- در اصل وصیت: آنچه را

2- اشاره به «ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون»؛ سوره توبه، آیه 111

خداوند به ما جان داده و خودش هم می‌گیرد ... آن کس که به من جان و حیات داد، اینک جانم را خریده است و من هم با کمال میل، جانم را فروختم و باز می‌گردم به سوی او.

❁ شهید عبدالکریم تقی‌بایی (1365-1344 بندرترکمن)

خوشحالم از اینکه راه خدا را از مکتب سرخ شهادت آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و علی (علیه السلام) انتخاب نمودم. این چنین مکتبی است که نقش حسّاس شهادت را در پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی مان به ما آموخت و این همان بُعدی است که تاکنون بر ابرقدرت‌ها و دشمنان انقلابمان مجهول مانده است و آن‌ها با جهان‌بینی مادی خود برای همیشه از شناخت واقعیت جهان معنوی آن عاجزند و شهادت، میراث ائمه اطهار (علیهم السلام) و اولیای خداست که به ما رسیده و می‌رسد و این برای انسان یک فوز و کمال است. شهید با دادن جان عزیز خود در حقیقت، افقی وسیع از جلوه‌های نامحدود نور حق را مشاهده می‌کند و خود و دیگران را بدین وسیله از ظلمات خارج می‌سازد و با این شهود عینی دارای چنان حیاتی می‌گردد که دیگر مرگ ندارد. پس برادران عزیز! همواره در راه خدا قدم بردارید و اگر در این راه، شهادت نصیب شما گردید، بیم نداشته باشید که برای همیشه در بهشت ابدی از نعمت‌های خداوند روزی خواهید خورد.

❁ شهید محمد تمدن (1361-1336 عجب شیر)

آن هنگامی که جسم در محراب خونین جهاد و در مصّای شهادت [قرار می‌گیرد] و روح، پر از التهاب و آماده پرواز برای استراحت در بستر آرامش با معشوق

خویش، نماز عشق را می‌گذارد، آن وقت است که شکوفهٔ سرخ شهادت بهار را می‌بیند و هیچ نیرویی نمی‌تواند مرا از معشوق خویش (الله) در فصل بهار که فصل ایثار در راه معشوق است، باز دارد.

❁ شهید ابراهیم توگلی بنیزی (1361-1339 زرنده)

شهادت، دریچهٔ آزادی ما از دنیا، شهادت حرکت یک مسلمان، شهادت آرزوی قلوب عارفان، شهادت نهایت آرزوی عاشقان و مشتاقان [است]. برای یک جوان مسلمان در این برهه از زمان، ذلت‌بار است که در رختخواب ذلت بمیرد؛ چرا که رهبرش امام حسین (علیه السلام) در جبههٔ نبرد شهید شد. مبادا در غفلت بمیرید؛ چرا که علی (علیه السلام) در محراب عبادت کشته شد ... بر امت اسلامی واجب است برای جاری شدن قوانین الهی و نجات مستضعفان جهان تلاش و کوشش نمایند و برای تحقق این امر، باید بهای گزافی بپردازیم؛ باید خون بدهیم، باید جان را فدا نماییم و از شهادت و شهید شدن استقبال نماییم.

❁ شهید محمدرضا جعفری اصل (1365-1343 استهبان)

هدف ارزندهٔ شهدا در اینجا بر ما روشن می‌شود که [از] پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که: «خداوند به ارواح شهیدان اُحد اخطار کرد و از آن‌ها پرسید که چه آرزویی دارید؟ آن‌ها گفتند: پروردگارا! ما بالاتر از این چه آرزویی داشته باشیم که غرق نعمت‌های جاویدان توایم و در سایهٔ عرش تو مسکن داریم. تنها تقاضای ما این است که بار دیگر به جهان برگردیم و مجدداً در راه تو شهید شویم که در این باره خداوند فرمود: فرمان تخلف‌ناپذیر من این است که کسی دوباره به جهان بازنگردد و

شهدا عرض کردند: حال که چنین است، تقاضای ما این است که به بازماندگان ما حال ما را بگویید. از وضع ما به آن‌ها بشارت دهی که هیچ‌گونه نگران نباشند.» باز توصیه به خانواده عزیز شهدا این است که هیچ نگران و ناراحت نباشید که طبق این روایات و احادیث، عزیزان شما به آرزوی همیشگی و دیرینه خود رسیده‌اند و همان‌طور که نقل شده، چه آرزویی بالاتر از اینکه در نعمت‌های فراوان خداوند [سهیم] هستند و در سایه عرش خدا مسکن گزیده‌اند.

❁ شهید منصور جلوداری (1361-1333 نی‌ریز)

پس از اتمام نماز، سر به زیر، دست به آسمان، اشک در چشم و لرزه بر اندام خواندم: «اللهم ارزقنی توفیق الشّهاده»؛ خدایا! نعمت شهادت به من عطا کن و خدایا! بالاترین درجه شهادت را به من عطا کن، آن شهادتی که در نبرد با دشمنان، آن‌چنان دلیر باشم که به قلب دشمن حمله‌ور گردم. ... [در] مقام شهادت همین بس که شخصی مثل امیرالمؤمنین (علیه السلام) در آرزوی آن بوده و برای رسیدن به آن دعا می‌کند. وسایل و ابزاری که سازندگی اسلام را می‌توانند تأمین کنند، عبارت‌اند از: قلم، بیان و عمل و خون و اما با خون خود، کاری می‌توان کرد که با هیچ نیروی دیگر نمی‌توان کرد. حتی در زمان جاهلیت¹، [خون] علی (علیه السلام) نتوانست سیمای پرفروغ او را در پشت اتهامات ناروا پنهان سازد؛ چون پس از شهادت، پرده‌هایی سرنگون شد و دروغ‌پردازان رسوا شدند که در این زمان هم این عمل صدق می‌کند؛ نمونه‌اش شهید بهشتی‌ها، شهید رجایی‌ها، شهید مدنی‌ها، شهید دستغیب‌ها و شهید صدوقی‌ها [است]. بنابراین، قاعده مکتب اسلام به خون و

1- در اصل وصیت: جاهلیت زمان

دامن شهادت، چنگ می‌زند و وسیله‌ای است که هرگز کهنه‌شدنی نیست؛ همچنان که حسین (علیه السلام) در روز عاشورا آنچه را که نگفت و اجازه گفتن نیافت، شهدای زمان ما فهمیدند و به خون حسین (علیه السلام) پاسخ مثبت دادند که این عمل، نسل به نسل ادامه دارد و خواهد داشت. شهادت، رستگاری قطعی و کمال مطلق است.

🕌 شهید اکبر جمالی دستگردی (1360-1333 اصفهان)

به امید ثانیه‌ای هستم تا مرگ سرخ را که از محراب علی (علیه السلام) و شمشیر حسین (علیه السلام) سرچشمه می‌گیرد¹، در آغوش بگیرم. خدایا! شهادتم را در راه اسلام و قرآن که خاری در چشم دشمنان است، بپذیر.

🕌 شهید تقی جوکار (1360-1336 ارسنجان)

پدرم! ... حالا اسلام به جوانان مسلمان احتیاج دارد. ما هم می‌توانیم کمک کنیم. باید رفت و کمک کرد. اگر شهید شدم که به لقاء الله پیوستم و اگر شهید نشدم، اجر و ثواب شهید را برده‌ام. در پایان، پدر جان! اگر کسی خدا را بشناسد، سر از پا نمی‌شناسد.

1- در اصل وصیت: می‌گیرید

شهید جعفر جهازی (1338-1361 اردبیل)

با آغوش باز به استقبال شهادت می‌روم و شهادت دعوتی است برای¹ تمام هدایت‌شدگان در راه خدا و ما. پدر! من می‌جنگم برای اسلام و برای انسان‌ها فقط و ان شاء الله اگر شهید شدم، برایم گریه نکنید؛ چون این یک سعادت است و امیدوارم این سعادت؛ نصیب همه بشود و شما پدری باش چون علی (علیه السلام) و شما مادری چون زهرا (سلام الله علیها) و فرزندانان چون حسن و حسین (علیهم السلام) و زینب (سلام الله علیها) باشند.

❁ شهید حسین حاج‌علی‌خانی (1338-1360 اراک)

به نام آن کسی که مرا پروراند برای شهادت. اگر لیاقت این منصب را داشته باشم [و] اگر من کشته شدم، دست‌های مرا باز بگذارید که دنیاطلبان بدانند من یا هر مرده‌ای، چیزی با خود نمی‌بریم و چشم‌هایم را باز بگذارید تا کوردلان بدانند من راهم را با چشم باز انتخاب کرده‌ام و دهانم را باز بگذارید تا بدانند من الله اکبر گویمان، مرده‌ام.

❁ شهید علی‌رضا حاجی‌بابایی (1335-1361 همدان)

دیدار او تمامی هدفم را نشانه رفته است. بدنم را در تبی سخت می‌سوزاند و شراره آن، وجودم را احاطه کرده است. من اکنون در آستانه جهانی ناآشنا ایستاده‌ام؛ جهانی که برایم غریب و نامأنوس است. در این دنیا انسان‌ها نیز غریب و ناآشنا [هستند و] جان [خود را] برای احیای دین، کمتر به آب و آتش می‌زنند. شاید

1- در اصل وصیت: به

ندانسته به سوی سقوط می‌روند. این است پایان یک راه و آغاز دیگر. [به هدف] رسیده‌ام و می‌خواهم از مرز بودن بگذرم و در افق‌های پاک قدم بگذارم. آری! دیگر مرز پایان تمامی حیل‌ها و تزویرها را هم پیدا کرده‌ام و خود را فدای انقلابم خواهم کرد و در آغاز یک حیات قرار گرفته‌ام که این فاصله برایم ملموس است. در این واقعیت، قلبم تپش وحشیانه دارد و در این راه، هستی و زندگی را در طبق اخلاص قرار داده است و آمادهٔ جانبازی و فداکاری‌ام.

❁ شهید مهدی حاجی‌بهرامی (1361-1339 تهران)

[امیدوارم] یا بر روی مین روم و پیکرم متلاشی شده و خاکستر گردد و هیچ اثری از من باقی نماند تا یاد شهیدان گمنام را در طول تاریخ توحید زنده کنم یا پیکرم در برخورد با دشمن مثله شده و فقط حمد خدا گویم و سپاس وی کنم تا برای محرومان و معلولان، الگوی مقاومت و صبر باشم؛ چرا که «ان الله مع الصّابرين»¹ خدا با صابران است. [شاید هم] به دست حکام ظالم² عراق به اسارت روم تا در دیار کفر، بدنم زیر شکنجه‌ها خرد گردد تا یاد زندان امام هفتم (علیه السلام) در بغداد و اسارت حضرت زینب (سلام الله علیها) و یارانش را در کربلا زنده کنم. اما شهادت لحظه‌ای، شهادت واقعی نیست. خدایا! شهادتی را می‌طلبم که هر لحظه آماده باشم که مالم، جانم، مقامم و موقعیتم و هر چه که بدان وابستگی دارم، با خلوص و بی‌ریا تقدیمت کنم که این شهادت آگاهانه است ... راه حسین (علیه السلام) را برمی‌گزینم، البته نه از بیم جهنم و آتش سخت آن چون بردگان و نه از طمع بهشت و مطعومات

1- سوره بقره؛ آیه 153

2- در اصل وصیت: ظلم

و مشروبات و منکوحات¹ آن چون سوداگران، بلکه تنها به خاطر خدا و علاقه او به راه حسین (علیه السلام)، این مسیر را می‌پیماییم که خدا فرمود: روندگان این راه را دوست دارم؛ «ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفاً كأنهم بنیان مرصوص»؛ «خداوند کسانی [را] که چون صف محکم در راه او مقاتله نمایند، دوست می‌دارد.» و در این راه، نه دنیا خواهیم نه عقبی، بلکه جمال مولا و لقای یار مدنظر است. همان‌طور که شاعر گفت:

ای خوشا با فرق خونین در لقای یار رفتن سر جدا پیکر جدا در محفل دلدار رفتن
ولی این راه بسیار مشکل است؛ اسارت، شهادت، مجروحیت مزد این راه است، اما چون هدف، رضایت خالق است بسیار آسان می‌گردد. من بسیار علاقه دارم با پیکر آلوده به گناهانم در زیر چرخ تانکها له گردم تا ناخالصی‌ام جدا شود و با روی سفید به درگاه الهی بروم تا طعم قطعه قطعه شدن بدن‌های مطهر مجاهدان عاشورا را در زیر سم اسبان احساس کنم.

❁ شهید محسن حسنی (1335-1359 بهار)

از آنچه که من می‌ترسم، روز قیامت و شدت گناهان دنیا می‌باشد که هیچ‌گونه راهی برای رهایی، جز شهادت نیست؛ چون اولین قطره خونی که از شهید ریخته می‌شود، تمام گناهان شهید را پاک می‌کند و باید این را هم بدانید که شهید باید مراحل مقدماتی در این دنیا را بگذراند که بدون این مراحل، شهادت نصیب او نخواهد شد.

1- عقد ازدواج بسته‌ها

2- سوره صف؛ آیه 4

🌀 شهید یعقوب حسین زاده (1361-1337 آذرشهر)

شهادت ارثی است که از اولیای خدا برای ما به ارث مانده و این فیض برای همه کس نائل نمی‌شود، بلکه برای کسانی نائل می‌شود که در راه خدا و برای خدا جنگ و ستیز می‌کنند و عاشق و معشوق خود خدا می‌شوند و خدا هم عاشق این بندگان صالح می‌شود و از راه شهادت، آنان را به پیش خود می‌خواند و من امیدوارم از آن کسانی باشم که به این فیض عظیم نائل شوم و در راه خدا شهید شوم.

🌀 شهید سیروس حسین نژاد (1367-1343 کازرون)

این چند کلامی را که می‌نویسم، [در حالی است که] داغ هزاران شهید و مفقودالاثرا و اسیر، علی‌الخصوص شهدای کربلای چهار را در جگر دارم که داغ این عزیزان، چنان انفجاری در قلبم و جانم پدید آورد که هر لحظه می‌رود تا مانند آن‌ها، همچون پروانه‌ای به دور شمع خود خاکستر شوم و در عشق معبود بسوزم و وقتی که در عشق معبود فدا شوم، جانانه شراب وصل را سر کشم و لقایش را با جان و دل بپذیرم.

🌀 شهید سیدمرتضی حسینی رستمی (1362-1337 ورامین)

سلام و درود و مغفرت و رحمت خداوند بر این شهیدان عزیزی که به ندای «هل من ناصر ینصرنی» حسین زمان خود پاسخ دادند و عاشقانه و مشتاقانه به سوی جبهه‌ها شتافتند و با خون خود به اسلام، حیاتی دوباره و به انقلاب ثبات و عظمت و شکوه بخشیدند و من اگرچه نالایق هستم، [اما] می‌خواهم راه شما را ادامه دهم. شهادت، آری! شهادت دریچه آزادی من از دنیاست. شهادت، عروج خونین من به

سوی پروردگارم است. غایت آرزوی من این بود که شهید شوم و مانند تشنه‌ای که ناگاه به آب می‌رسد و آن‌گاه پس از جستجوی زیاد، گمشده‌اش را می‌یابد، مرگ سرخ را در آغوش کشم و با لباس خونین به ملاقات پروردگارم بشتابم.

❁ شهید عباس حصارکی (1341-1365 شمیران)

پروردگارا، مولا جان! تو را می‌ستایم که راه شهادت را بر من گشودی. مولا جان! دوست دارم در رهت، در رسیدن به لقاییت، نه یک بار بلکه صدها بار، این جسم فانی و بی‌ارزشم را گلوله‌های سرخ و آتشین و ترکش‌های توپ و خمپاره دشمنانت بدرند و پاره پاره کنند تا وجود خاکی‌ام را نابود سازند و عاشقانه بسوزم و به تو بییوندم.

❁ شهید سیدعلی خلیفه سلطانی (1324-1361 اصفهان)

در حالی که هنوز گناهان و پیامدهای گناهانم مرا از شوق دیدار خدا باز می‌دارد، چگونه توفیق شهادت نصیبم خواهد شد و چگونه آرزوی شهادت می‌طلبیم؟ چگونه می‌توانم شهادتم را احراز کنم؟ چگونه خود را شایسته بدانم؟ راستی! من شایستگی در پای شهدا [بودن] را دارم؟ به دعا و نماز و نیایش می‌نشینم و از خدا می‌خواهم که همانند دیگر رزمندگان، مرا مشمول راه شهدا گرداند.

❁ شهید یدالله خوشرو (1342-1365 داراب)

باری! کلماتی جاری است از نوک قلمی¹ که [صاحب آن]، خود را عاصی درگاه معبود می‌پنداشت و خوشبختانه زود به خود آمد و از نعمت جنگ سود

1- در اصل وصیت: که از نوک قلمی

برد ... و مردانه شیطان را از خویش دور نمود و خدای خویش را شناخت و تا پای جان بر این ادعا استوار ماند و خروار در یک غروب خونین و غم‌انگیز به خیمه حسین زمان نزدیک گردید و اعلام نمود که بگذار بار دیگر قضیه حرّ در تاریخ تکرار شود و کربلای خونین ایران شاهد چنین بازگشتی باشد و با جاری ساختن کلمات شهادتین و استغفار به درگاه حضرت حق، بر مرکب توبه سوار شد و عاشقانه پر کشید و از دیده‌ها محو گردید و دست التماس و چشم گریان خویش را به درگاه ملکوت نشان داد و گفت: لطف کردی و مرا به سوی خویش کشاندی؛ پس عاجزانه از تو [و] می‌خواهم که مرا رها نسازی که نهایت بدبختی، زمانی است که دوباره رها شوم و شاهد قهقهه‌های مستانه شیطان و لشکریانش باشم. خدایا! هرچند در این راه، راه و رسم عشق‌بازی را بلد نبودم، ولی پروانه‌وار آمدم و محتاجت هستیم که در راه خودت زجرم دهی تا طعم عشقت را بچشم.

﴿ شهادت حسین دلآوری (1361-1342 ق.م) ﴾

شهادت فوزی است عظیم که تنها نصیب بندگان خاصّ خدا می‌شود و همه از آن بهره‌مند نمی‌شوند. کشته شدن در راه خدا، سعادت است بسیار عظیم و جهاد در راه خدا به فرموده امام علی (علیه السلام)، قلّة مرتفع اسلام است؛ «الجهاد ذروه¹ الاسلام». و هزار شمشیر بر سر و بدن بهتر است از مرگ در رختخواب و هیچ مرگی مانند کشته شدن در راه خدا نیست.

1- در اصل وصیت: زروه

شهید جان محمد دمساز (1365-1347 ایذه)

مولایم! من ضعیف و ناتوانم. دوست دارم چشم‌هایم را دشمن در اوج دردش از حدقه، در بستان درآورد و دست‌هایم را در تنگهٔ چزابه قطع کند. پاهایم را در خونین‌شهر از بدنم جدا سازد و قلبم را در سوسنگرد آماج رگبارهایش کند و سرم را در شلمچه از تن جدا نماید تا در کمال فشار و آزار، دشمنان مکتبم ببینند که گرچه چشم‌ها، دست‌ها، پاها، قلب، سینه و سرم را از من گرفتند، اما یک چیز را نتوانستند بگیرند و آن ایمان و هدفم است که عشق به الله و معشوقم و به مطلق جهان هستی و عشق به شهادت و عشق به امام امت و اسلام است.

☞ شهید مصطفی دیانتی نسب (1365-1345 کازرون)

به خدا قسم کسانی که به مرگی غیر از شهادت می‌میرند، روزی خواهد آمد که به دیدن مقام شهادت، حسرت می‌خورند. پدر عزیزم! مبدا شهادت من باعث شود که خدای ناکرده کلامی را بگویی که بر خلاف رضای حق تعالی باشد. دلم نمی‌خواهد کسانی که به این انقلاب و اسلام علاقه‌ای ندارند، در ارتباط با شهادت من حرفی بزنند که مثلاً چرا گذاشتی به جبهه برود و از این حرف‌ها؛ خواه این‌ها از اقوام باشند یا غریب. دست‌هایت را مشت کن و محکم بر دهان این شیاطین بکوب که اینان اغواکننده و وسوسه‌گرند. اگر امام حسین (علیه السلام) و یارانش با شهادت نیست و نابود شدند، من نیز نیست و نابود شدم، ولی با گذشت 1300 و چند سال هنوز خون حسین (علیه السلام) در رگ‌های عاشقان می‌جوشد و راه او را می‌پیمایند. این نتیجه و سرنوشت کسی است که با خدا معامله کند. کسی که با خدا معامله کند، زیان نمی‌بیند.

🌀 شهید علی رایج کفشگیری (1367-1333 گرگان)

از خدا می‌خواهم هنگام شهادت، سر نداشته باشم مثل حسین (علیه السلام)، دست نداشته باشم مثل عباس و قاسم (علیهما السلام)، بدنم تگه تگه باشد و سینه‌ام مثل زهرا (سلام الله علیها) سوراخ شده باشد. من می‌خواهم وقتی که حضورشان می‌رسم، مثل خودشان باشم. به خدایی که جانم به دست او است، هزار بار ضربه شمشیر آسان‌تر است بر من از مردن در رختخواب.

🌀 شهید اقدس رجبی (1361-1337 همدان)

من ... شهادت را نزدیک‌ترین و سریع‌ترین راه تقرب به خدا می‌دانم. باید بیندیشیم که از کجا آمده و به کجا خواهیم رفت. باید از مظاهر دل‌فریب دنیا که بسیاری از پیشینیان ما را به ذلت و عذاب کشانده‌اند، گذشت. باید بدانیم که ما در این دنیا همچون مسافریم و مقصد اصلی ما آخرت است. عده‌ای نادان و ابله آمده‌اند و جبهه را از دید اقتصادی و یا مسائل خانوادگی می‌نگرند و بدین وسیله می‌خواهند نیامدن خود به جبهه را توجیه کنند، ولی نمی‌دانند کسی که عاشق خدا باشد، به همه‌اوامر دنیوی پشت پا می‌زند.

🌀 شهید نعمت‌الله رجبی (1361-1323 سمنان)

شهادت، میراث ائمه اطهار (سلام الله علیهم اجمعین) و اولیای خداست که برای امت مسلمان به ارث رسیده و هرگاه کسی در مواقع ضروری از آن سر باز زند، خداوند لباس ذلت در دنیا و آخرت را بر او پوشاند. اگر توفیق شهید شدن در راه مکتب آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را یافتم، این منتهای آمال و آرزوی من بوده است و آن

روز، روز امتحان شماس است. مگر می‌شود هر روز خون عزیزانی ریخته شود و ما نظاره‌گر آن باشیم؟ بهشت^۱ دارای هشت باب است که یکی از آن‌ها [را] باب الصابرين خوانند که متعلق به صابرين راه خداست. امید است شهادت در خلوص عقیده، مورد پذیرش حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و نائب برحقش، امام خمینی قرار گیرد.

❁ شهید حمیدرضا رحمتی (1363-1342 خمین)

پدر و مادرم! مرگ پدیده‌ ناخواسته‌ای است که دیر یا زود، هر انسانی را به کام خود می‌کشاند، گاهی با سوژه بیماری و گاهی با سوژه پیری و فرسودگی و گاهی با دیگر جلوه‌های قضا و قدر الهی. اما زیباترین جلوه‌اش چیست؟ شهادت است که مردان خدا همیشه توفیق آن را از خدا خواسته و می‌خواهند و برای رسیدن به آن، سال‌ها انتظار می‌کشند [و] در خلوتگاه‌ها به سر می‌برند تا شاید روزی نصیبشان شود.

❁ شهید عبدالرحیم رستگار (1364-1341 بهبهان)

از هنگامی که چشم به این جهان گشودم، چیزی نفهمیدم جز اینکه تمام امکانات را خداوند برای زیستن ما فراهم نموده است. اما در کنار همه نعمت‌ها، [خدا] راه‌هایی را نیز برای آزمایش بندگانش قرار داده است که بعضی از عارفان، با هفتاد سال عبادت شاید در برابر همه آزمایشات الهی موقت به درآیند. اما شهدا در یک زمان کوتاه می‌توانند یکسره همه آزمایش‌ها را طی کرده و به بالاترین مقام الهی، یعنی فیض شهادت نائل گردند.

1- در اصل وصیت: بهشت را

🌀 شهید هوشنگ رستمیان فرد (1365-1343 شهرکرد)

وقتی به تاریخ می‌نگریم، حرف‌هایی از شهادت و ایثار را در [میان] یاران اسلام و قرآن می‌یابیم ... ملت ما شهادت‌طلب است و درس شهادت را به خوبی یاد گرفته است؛ چون که شهادت، درس است که انسان‌ها آن را آموخته‌اند و به دیگران یاد خواهند داد. در این سرزمین اسلامی، گل سرخ شهادت رویداد [ه] و گل‌بوته آن چنان دامنی گسترده است که جامعه را به گلستانی عطرآگین مبدل ساخته است.

🌀 شهید داود رسولی (1362-1342 تهران)

من در انتظارم، در انتظار شهادت. همه دوستان، همه همدردها، همدم‌ها [و] هم‌سخن‌ها رفتند و من تنها ماندم و پیش خود می‌گویم که خدا [یا!] چرا دیر شد؟ آری، خواهران و برادران گرامی و عزیز! دنیا برایم چون قفسی می‌ماند و قفلی بر در آن که تنها با کلید شهادت، می‌توان آن را باز نمود و آزاد گشت و این طریقه مردان خداست. من این راه را آگاهانه و با جان و دل قبول کردم و انتخاب نمودم. من با ایمان و عشق به اسلام و قرآن و امام، این راه را قبول کردم و با آغوش باز پذیرای آن شدم ... آری! شهادت نعمت و فیض عظیمی است. مبادا فرصت را از دست بدهید. خداوند ان شاء الله موفق‌تان بدارد در این امر بزرگ.

🌀 شهید علی‌رضا رضایی (1361-1338 خمین)

به خدا پناه می‌برم از روزی که سرنوشتی به جز سرنوشت شهدا داشته باشم. اگر صدها بار زبانم را از دهانم خارج کرده و در مسلخ عشق به دارم کشند و به بدترین وجه ممکن به شهادتم رسانند، هرگز دست از او، یعنی رهبرم و اسلام بر نمی‌دارم.

🌀 شهید محمود زارعی (1367-1351 همدان)

باید بدانید من عاشق خدا شدم و فرد عاشق تا به معشوق نپیوندد، از پای نمی‌نشیند¹. من این راه را آگاهانه انتخاب نمودم و با بصیرت تمام در آن قدم گذاشتم. مگر نه این است هرکسی در این جهان، بدون چون و چرا خواهد مرد؟ پس چه بهتر عاشقانه به استقبال مرگ برود و چه مرگی بهتر از شهادت در راه خدا و این نوع مرگ برحسب اتفاق و حادثه نیست و سعادت می‌خواهد که نصیب هرکس نمی‌شود ... برادران عزیزم! مبادا با شهادت من، خللی در راهی که انتخاب کرده‌اید، وارد [شود] و شما را از ادامهٔ راه شهدا سست کند و ناامید شوید، بلکه در همه حال شکرگزار خداوند یکتا باشید

🌀 شهید محمدرضا زندیه (1361-1329 اصفهان)

به آن خداوند سوگند که گاهی یک رعد و برق [باعث] ایمان [آوردن] فردی می‌شود و باعث آگاهی می‌گردد که البته باید از خداوند بخواهیم و آن را از دست نداده و به خدا نزدیک شویم. من عاشقانه از زن و فرزند و همه چیز گذشته و پیوند خداوند را به تمام پیوندها ارج می‌نهم و به سوی او می‌شتابم؛ خدایی که منت شهادت را بر بندگان خود گذاشت.

🌀 شهید سیدجلال ساداتی (1365-1343 فسا)

مادر عزیزم! مگر قرار نیست که همهٔ ما از این خاکدان دنیوی و این دنیای پست کوچ کنیم و به آخرت ملحق شویم؟ هیچ کس در این دنیا نمی‌ماند؛ «کل شی هالک الا

1- در اصل وصیت: نمی‌ایستد

وجهه»¹. همه باید برویم، یکی زودتر و یکی دیرتر؛ پس چه بهتر مرگمان شهادت باشد؛ شهادتی که مولای متقیان، علی (علیه السلام) با آن همه مقامات معنوی و اخلاص، آرزوی آن را از خدا می‌کرد. آیا باید برای به دست آوردن چنین مرگ باعزّتی، ناراحت بود یا برای به دست نیاوردن آن؟ شهادت در راه خدا میانبری است برای رسیدن به جوار حق تعالی؛ پس چرا برای رسیدن بدین مقام والا ناراحت باشیم؟ چرا ما بدین مقام دست پیدا نکرده‌ایم؟ ... امروز پیام شهیدان این انقلاب، ادامه جنگ تا پیروزی کامل بر فاسدان و تباہکاران زمین است و هرگونه سازش با دشمن، مساوی با نادیده گرفتن خون عزیزان شهید است.

❦ شهید ابراهیم سالک غلام‌علی (1366-1346 تهران)

وای بر آن کس که از نفس خود تبعیت کند. جهاد و شهادت در راه خدا از الطاف خفیه الهی هستند و دری از درهای بهشت که خداوند آن را بر روی افراد خاصی باز می‌کند.

❦ شهید باب‌الله سبزی (1362-1321 نیشابور)

به خدا قسم اگر قبل از کشته شدنم می‌دانستم که در هنگام کشتن، هزار تکه‌ام خواهند کرد و هر تکه‌ام را در آتش خواهند سوزانید و بعد خاکسترم را به باد خواهند داد و بعد از من خانواده‌ام را به اسارت خواهند برد، باز هم از صراط مستقیمی که خدایم بر آن هدایت فرموده، برنگشته و در زمره کافران در نمی‌آمدم؛ زیرا که شهادت

1 - سوره قصص؛ آیه 88

تنها آرزویم می‌باشد. مرگ بافتخاری که بارها به آن نزدیک شده و می‌خواهم نصیبم فرماید (ان شاء الله).

✎ شهید ایرج ستاریان (1361-1339 زنجان)

شهادت دعوتی است به سوی نسل‌ها که وقتی جبهه حق خلع سلاح شود، راه سوئی برمی‌گزیند که اگر می‌توان بمیران و اگر نمی‌توانی بمیر. و اما سفارش من به خانواده این است که پس از مرگم گریه نکنید؛ زیرا که من راه حق و حقیقت را در نوشیدن جام شهادت یافتم.

✎ شهید علی‌رضا سعیدی (1361-1339 تهران)

پروردگارا! تو خود می‌دانی که چقدر عاشق شهادتیم و نیز می‌دانی که هدف ما شهادت نیست، بلکه پیروزی در راه توست. اگر توانستیم، می‌کشیم و اگر هم کشته شدیم، باز پیروزیم. من با آگاهی و شناخت به سوی خدا، جهاد و شهادت می‌روم و مبدا فکر کنید که پناه بردن به شهادت، فرار از زندگی است، بلکه فرصتی است که به دست آمده تا دین خود را [نسبت] به اسلام عزیز ادا کنیم و فرصت دستیابی به فوز عظیم شهادت را که عین سعادت است، غنیمت بشماریم.

✎ شهید محمدعلی سلطان‌محمدی (1362-1334 نوشهر)

شهادت برای من و هر مسلمان متعهدی، همچون عروس زیبایی است که آن را در حجله سنگر در آغوش خواهیم گرفت.

شهِید احمد سلطانی (1365-1343 طالقان)

شهادت، هدیه‌ای الهی است که از جانب خداوند تبارک و تعالی برای آن کسانی که لایق هستند، می‌رسد و این شهادت‌ها است که باعث می‌شود احکام اسلام و انقلاب پیشرفت بکند... مذهبی که ما مسلمانان داریم، مذهب شهادت است و اسلامی که ما در راه آن آمده‌ایم، می‌خواهد انسانی عادل و کامل و به تمام معنی بسازد.

شهِید سید محمد رضا سلطانی (1367-1343 تهران)

شهادت، دریچه‌ی آزادی انسان از دنیا و راه نجات انسان از قالب مادیت و پرواز به سوی ملکوت الهی است. شهادت منتهای حرکت یک مسلمان به سوی معبود و معشوق خود [است].

شهِید غفور سواری (1365-1348 باغملک)

برادران و خواهران عزیز! بدانید شهادت افتخار است؛ چرا که افتخار امام حسین (علیه السلام) و همه‌ی ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) بوده است و هم‌اکنون هم جوانان ما برای کسب این افتخار است که به میادین نبرد آمده و از دین خود دفاع می‌کنند. من از خداوند متعال می‌خواهم که شهادت در راه خودش را نصیب من گرداند.

شهِید محمد صادق سوری (1365-1339 تویسرکان)

در مکتب اسلام شهادت، فنا و نابودی نیست، بلکه مرگ یا شهادت پلی است که این زندگی را به جهان آخرت متصل می‌کند و از این دنیای فانی به زندگی جاوید

رهنمون می‌شود و حال که این چنین است، پس چرا به سیدالشهدا (علیه السلام) اقتدا نکنم و شهادت را بر زندگی ذلت‌بار ترجیح ندهم و شهادت را که به قول حضرت قاسم (علیه السلام) از عسل شیرین تر است، انتخاب نکنم. به هر حال جنگ، جنگ است و عزت و شرف ما در گرو همین مبارزات است.

🔖 شهید روح‌الله سیف (1365-1345 نه‌اوند)

امیدوارم که ان شاء الله، خدای تعالی نظر و عنایتش را از بنده حقیر و مسکین دریغ ننموده و از او خواستارم که فیض عظمای شهادت را نصیبم گرداند و مرا از پوشیدن این خلعت زیبا محروم نگرداند. اصولاً صحبت کردن در مورد چنین واژه‌ای به این عظمت و به این زیبایی کار هر کسی نیست؛ چرا که درخواست چنین کلمه‌ای از خداوند احتیاج به داشتن بنیة اخلاقی دارد و این کار، جز از ائمه معصومین (علیهم السلام) ساخته نیست. دیدگاه‌ها¹ در مورد شهادت مختلف است و عده‌ای خیال می‌کنند [که] این جور موت برای انسان زجرآور است یا بعضی‌ها چنان می‌پندارند که شهادت، معنا ندارد. در جواب چنین کسانی باید چنین اذعان داشت که این مقام، همان مقامی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به علی (علیه السلام)، بشارت آن را می‌دهد.

1- در اصل وصیت: دیدگاه‌های

﴿ شَهِيدِ مُحَمَّدِ حَسَنِ شَبِيرِي (1360-1330 جهرم) ﴾

«أَنَا لله و أَنَا اليه راجعون»¹؛ «از سوی الله آمده‌ایم و به سوی او باز می‌گردیم» و چه زیبا و باشکوه است که انسان هنگام ملاقات با معشوق، زیباترین لباس‌ها و جذاب‌ترین چهره‌ها که همان کفن‌های خون‌آلود و چهره‌های گلگون شده از خون خویش می‌باشد را انتخاب نماید.

﴿ شَهِيدِ رَحِيمِ شَكْرِي (1365-1337 نقده) ﴾

مرگ نیز جزئی از زندگی و شهادت، عین زندگی است. بله! کشتن [و کشته شدن] در راه خدا و حقیقت، خیلی بهتر است. اگر کشته شوم، باکی نیست که من نیز قطره‌ای بودم از جلوهٔ اقیانوسِ کرانه ناپیدای حق که هم‌اکنون پس از بخار و ابر شدن و آلوده گشتن به کثافات² هوای محیط به اصل خویش باز می‌گردیم؛ با این امید که خونی که از تنم سرازیر می‌شود، آلودگی‌های جانم³ را داشته باشد تا پاک به دریا بپیوندم؛ همان‌گونه که [از] اوّل بوده‌ایم.

﴿ شَهِيدِ مُحَمَّدِ رِضَا شِيرَاوَنْدِ (1365-1334 نِهَوَنْد) ﴾

شهادت که قابل توصیف و قابل درک نیست، مگر [در] درجهٔ اوّل آن برای شهید و دوّم برای شهدای زنده؛ آنانی که درک نموده‌اند و عاشق الله شده‌اند و متحیر

1- سوره بقره؛ آیه 156

2- در اصل وصیت: و به کثافات

3- در اصل وصیت: و آلودگی‌های جانم

شده‌اند که چه کنند؛ حتی بالاتر از شهادت اگر بود می‌کردند، در حالی که نیست ... شهید با خون خویش امضا می‌کند اصول دین و فروع دین و سایر مسائل را.

❁ شهید محمدعلی صالح آبادی (1345-1365 سبزوار)

شما را به تجارتی سودمند راهنمایی [می‌کنم] که [شعبه‌ای از آن، جهاد در راه خداست و اجر جهاد نیز شهادت در راه او است و همان چیزی که همهٔ بندگان خوب، آرزوی رسیدن به آن را دارند. البته من که توفیق شهید شدن را ندارم، اما اگر خداوند چنین فیض عظیم را نصیبم بنماید، بسیار خوشحالم.

❁ شهید فرهاد صفاکار (1338-1361 لاهیجان)

بدانید که هر کس نمی‌تواند سعادت شهادت را داشته باشد، نه! این شهادت، سعادت است که فقط در اختیار بندگان صالح و برگزیدهٔ خدا قرار دارد و نصیب آدم‌های بی‌خیال و بی‌بند و بار و ضدانقلاب نخواهد شد، بلکه شهادت یک شرط دارد و آن این است که [باید] تمام و کمال خود را در اختیار الله قرار داد.

❁ شهید قدرت‌الله طاهری بروجنی (1338-1361 بروجن)

چقدر خوب است که این را به جان باور کنیم و واقعاً بدانیم مرگ جز یک رجعت [چیزی] نیست، رجعتی به سوی مبدأ و چقدر خوب است که عاشق شویم و در تلاش باشیم که به سوی معشوق روانه گردیم که «أنا لله و أنا اليه راجعون»¹، برای یک عاشق بدین معنی است که من به سوی معشوقم برمی‌گردم و این نیست

1 - سوره بقره؛ آیه 156

جز پیام نوید و کاش که خداوند این عشق را در دل‌مان زنده کند که حیات و ممات را درست دریابیم و آن وقت نه تنها از رجعت به سوی خوفی نداریم که حبّ لقاییش در جان ما غوغا می‌کند.

﴿ شَهِیدِ مَنْصُورِ طَهْمَاسِیِ چالکو (1362-1344 تهران) ﴾

در شهادت من شاد باشید؛ چون شادی ما وقتی است که به کمال برسیم و شهادت؛ کمال انسان است.

﴿ شَهِیدِ عَلِیِّ مُحَمَّدِ عِبَادِی (1365-1335 خمین) ﴾

چه بهتر [است] شهادت در این راه [باشد] که همانا شهادت، انسان را به درجهٔ ملکوتی اعلا می‌رساند و چقدر زیباست شهادت در راه خدا که همانند گل محمدی است که وارثان خون پاک شهید از آن می‌بویند.

﴿ شَهِیدِ عَلِیِّ عَبْدِالهِیِ اَشْنایِی (1365-1345 شمیران) ﴾

اما آنان که در این کرهٔ زمین به عنوان خلیفهٔ الهی برگزیده شدند، یعنی آن بندگان عاشق و شیفته‌ای که بهر وصال به محضر مولایشان کوشش کردند و در کوله‌بارشان جز صداقت و صفا و مهربانیت و در قلبشان جز امید و آرزویشان جز شهادت و دیدار محبوبشان که همان آرزوی ائمهٔ اطهار (علیهم السلام) بوده، [چیزی نبوده است] و [جز] قرار گرفتن در جوار مبارک خاتم الانبیا، محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم) چیزی نمی‌خواستند و در فکرشان جز این نمی‌پروراندند، اینان همچون مرغ عاشق، منتظر آزادی از قفس [بودند] و برای خلاصی از آن

می‌کوشیدند. به امید آن روز که من و دیگر دوستانم که چنین آمال والایی [را] در سر می‌پرورانیم، این فیض بس عظیم نصیبمان شود تا دیده‌مان به نور مولایمان نورانی گردد و در کنار سفرهٔ رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و دوستانی که در انتظار دیدارمان هستند بنشینیم، ان شاء الله.

✽ شهید علی عدالت‌منش (1361-1325 تهران)

شهادت را یک تحوّل عینی و عملی و وجودش را نه یک وجود ذهنی، بلکه خارجی می‌دانم، نه یک انفعال ذهنی و تئوری و در عالم تخیل. و می‌دانم^۱ که به آن مرحله نرسیده‌ام. اگرچه کشته شوم، ولی شاهد نیستم، چه رسد شهید؛ چون شاهد مشاهده می‌کند.

✽ شهید محمدرضا فرزنانگان بیدگلی (1362-1336 تهران)

خواست خدا بر آن قرار گرفت که گوشه‌ای از دلم به روی نور الهی باز شد و اوج گرفتم ... و اوج این پرواز منتهی الیه‌اش شهادت و رسیدن به خداست. قبلاً بدون شناخت بودم. قبلاً مانند این بود که کوری باشم و در شب حرکت کنم^۲، یعنی هم خودم از نظر قلبی، نوری و جلوه‌ای نداشتم و هم اینکه در محیط تاریک مادیت، حصار دیگر برای خود به وجود آورده بودم. اما حالا سر از پا نمی‌شناسم و هیچ چیز برایم مشکل نیست و آمادهٔ آماده‌ام برای شهادت و همهٔ فکرم، حتی مرکزیت فکرم و جزء جزء کوچک آن نیز به لقاء الله می‌نگرد و

1- در اصل وصیت: بدانم

2- در اصل وصیت: می‌کنم

آرزویی جز شهادت ندارم و برای رسیدن به این [آرزو] که تنها آن مرا به هدف می‌رساند، تلاش می‌کنم و دیگر دنیا برایم تنگ است و همه زیبایی‌های دنیا برایم زشت جلوه می‌کند. فقط در این حالتی که دارم، بیشتر به آن معبود که خدا باشد، فکر می‌کنم.

✽ شهید بهلول فرهادی عطالو (1365-1348 اهر)

امشب و [همه شب‌های] این روزها، شب عشق است؛ شب عشاق، شب از خود بریدن و به وصال معشوق رسیدن است. امشب، شب نظر کردن است و به برج عدالت رسیدن و بر درگاه خدا نازل شدن است. در این روزها، عاشقان اباعبدالله (علیه السلام) آماده می‌شوند تا با شهیدان، پیمان دوستی بسته و سرودهای پیروزی را سر دهند و حال، بنده حقیر و ذلیل خدا هم آماده برای وصال به معشوق هستم.

✽ شهید علی فلاح تفتی (1362-1338 تهران)

اگر می‌دانید شهادت، حق است که هست، پس به منتهی الیه سعادت رسیده‌ام و اگر می‌گویید شهادت، حق نیست که هست، باز لحظه‌ای زودتر به معبود خود رسیده‌ام.

✽ شهید علی‌باز قانیدی (1361-1340 داراب)

آری! پاک جوانانی به لقاء الله پیوستند و من از خویشتن خویش ناامیدم، ولی با این حال [نسبت] به فضل بیکران خدا هم ناامید نیستم و دل را به عشق وصال معشوق [و] محبوب، امیدوار می‌کنم. شور و شوقی در من ایجاد شده که سبقت در

شهادت را در دل محزون و پرگناهم به وجود آورده که: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ، اولئك المقربون»¹. به راستی که² پاک جانانی به معشوق و معبود نزدیک‌ترند که زودتر به معشوق رسیده‌اند. پس تو ای علی، بندهٔ ذلیل و گناهکار خدا! به سوی جانان بشتاب که شاید مورد قبول درگاه خدا واقع شوی.

❁ شهید علی‌رضا قدمی (1367-1333 تهران)

بعد از هر حیاتی، مرگی است. هر کسی که متولد می‌شود، مرگ را نیز با خود به همراه می‌آورد تا اجل فرا رسد. فاصلهٔ بین حیات و مرگ به درازای طول عمر است، لیکن [حتی وسیله‌ای] به سستی باد، یعنی ساده‌ترین وسیله قادر است این حیات را از انسان بگیرد، از پشهٔ نمرود گرفته تا یک تکه از مربع‌های نارنجک. گاهی این‌ها در کار نیست. شب خفته‌ای و هنوز صبحگاهان از خواب برنخاسته‌ای که دنیا را وداع می‌کنی. راستی حال که حیات انسان چنین است، پس چرا به سوی مرگ شرافتمندانه نرویم؟! حال که ملک الموت سراغ هر کس می‌رود، چرا او را نخوانیم [تا] در لحظات مناسب که مورد توجه خداوند هستیم، سراغمان بیاید؟! ... آیا نه این است که باید دل به این دنیای فانی و گذرا نبست؟ دل به این حیات موقت دنیایی نبست؟ چشم به افق دور و تابناک دشت فردا دوخت که جاودانگی و نعمات [آن] همیشگی است، نه به³ این شیرینی‌های کوتاه و زایل‌شدنی دنیا [که] همهٔ شما تصدیق می‌کنید.

1- سوره واقعه؛ آیات 10-11

2- در اصل وصیت: که به راستی

3- در اصل وصیت: در

✎ شهید احمدعلی قنبری (1362-1339 بیرجند)

مادرم! به جوانان بگو شهادت، افتخار مردان خداست و از شهادت نهراسید که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است. به پدران بگویید فرزندان را علی‌گونه تربیت کنند و تو ای جوان! بکوش که از اسارت دنیا برهی.

✎ شهید اسماعیل کاردان (1362-1339 داراب)

بر آن شدم تا امانت پروردگار را اگرچه نتوانستم آن‌گونه که خواست بپرورمش، لاف‌ل آنجا و آن زمان که خواست، [به وی] بسپارمش. جان و مال و هرچه داریم، از او است و همهٔ امانتی است که به ما سپرده و ما را نیز به امانتداری امر فرموده [است]. اگر امانت را [به صاحبش] نسپریم، خائنینم. پدرها و مادران! مگر نه اینکه فرزندان¹ عطای خداوندیست؟ پس اگر به صاحب قادر بازگردد، نگران نباشید. خدایی که رحمان است و بندگان را دوست دارد، هرچه بخشد، به درستی² بخشیده و بخشش او رحمت است و دوست هرگز از کسی چیزی نخواهد، مگر [این] که چندین برابر جبران نماید؛ پس به دوست بخش تا در روز تنگدستی به کمک بشتابد. تازه چیزی نداری که ببخشی که همه از آن خود او است. همه یک روزی هرچه دارند، باید به صاحبش برگردانند، چه خود راضی باشند و چه ناراضی؛ پس چه بهتر که با رضا بدهند. زمان سپردن امانت، همین زمان است.

1- در اصل وصیت: فرزندان

2- در اصل وصیت: از به درستی

﴿﴾ شهید احمد رضا کبیری (1361- 1341 اهواز)

شهادت نه یک باختن که یک انتخاب است و من با تمام آگاهی، آن را انتخاب کردم.

﴿﴾ شهید ابراهیم کشاورز (1361- 1338 نیریز)

شما ای خانواده شهید! باید بدانید که مکتبی بالاتر از شهادت، معلّمی برتر از حسین (علیه السلام)، مدرسه‌ای بهتر و مفیدتر از مدرسه‌ای که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به نام اسلام، بنیانگذارش است، وجود ندارد و امتیاز آن را خدا صادر کرده؛ چون دین اسلام از طرف خداوند نازل شده [است]. مدرک تحصیلی را هم امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مقابل هر شهیدی می‌دهد. چه مدرکی بالاتر از این، عزیزان! و چه کلاسی بهتر از این؟ شما ای امت آزاده! عظمت این انقلاب را درک کنید و پرچم پرافتخار آن را که در دست امام عزیزمان است، در سرتاسر گیتی به اهتزاز درآورید تا خاری باشد برای کوری چشم دشمنان.

﴿﴾ شهید علی اکبر لاجین (1365- 1347 دهلران)

شهادت، مرگ سعادت‌آمیزی است که آغاز یک زندگی پربار [و] جدید را نوید می‌دهد و خوشا [به حال] آنان که پیش از من به این فوز عظیم نائل شدند. آنان زنده‌اند [و] نزد خدای خویش روزی خواران و هم‌جواران سرور شهیدان، امام حسین (علیه السلام) اند. از شهادت، مرا باکی نیست. شهادت چونان مادری است که یگانه فرزندش را در آغوش می‌کشد. شهادت، نقطه اوج و آرزوی مسلمین است. شهادت، قلّه رفیع انسانیت است. ما به آغوش شهادت می‌رویم و به سوی پرواز

می‌کنیم که ربّ العالمین ما را طلب کرد. این را می‌دانم که آخرین لحظات شاد کامی‌ام، لحظهٔ بازپسینی است که چشمانم بسته می‌شود. رمز جاودانگی در خون شهدا نهفته است و بانگ تکبیر از قطرات آن بلند است.

﴿ شَهِیدِ مَجیدِ مَحَبِّیِ مَراد (1362-1339 تهرآن) ﴾

«و لا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون»¹؛ «هرگز این‌گونه گمان مبرید که کشتگان در راه خدا مرده‌اند، بلکه آن‌ها زنده هستند و نزد خدا روزی می‌خورند.»

﴿ شَهِیدِ علیِ اکبرِ مَحْمَدِ نَزاد (1365-1335 کاشمر) ﴾

شهادت افتخار ماست و این مطلب را کوردلان و غافلان و گمراهان نمی‌فهمند.

﴿ شَهِیدِ جمشیدِ مَحْمَدِیِ صاحبِ دیوانی (1361-1333 مشکین‌شهر) ﴾

بارخدا! نعمت پربرکت شهادت را بر من حقیر عنایت فرما تا شاید با شهادتم و خونم، خدمتی به دین تو و قرآن و اسلام نموده باشم.

﴿ شَهِیدِ ابوالفضلِ مَحْمَدِیِ نسب (1365-1344 خمین) ﴾

بار دیگر [و] برای چندمین بار، خدای مهربان بر این عبد ذلیل خود منت نهاد و مرا به لشکر خود فرا خواند. من آگاهانه و عاشقانه دعوتش را لَبَّیک گفتم و برای چندمین بار به سوی جبهه‌ها آمده‌ام. ای خدا! بار دیگر از خود شرم دارم از اینکه

1- سوره آل عمران؛ آیه 169

برای چندمین بار است که وصیت‌نامه می‌نویسم و توفیق شهادت نصیبم نمی‌شود. اگرچه هدف من از آمدن به جبهه، صرفاً آرزوی شهادت نیست و ما فقط برای شهادت نیامده‌ایم، اما در انتظار شهادت [و دست‌یابی] به لقاء الله و نائل شدن به فوز عظیم شهادت، لحظه‌شماری می‌کنم.

✎ شهید محمدرضا مصطفی نژاد (1365-1340 فسا)

در عصر امام عدل که جنگ بین حق و باطل است، شهادت چقدر زیباست؛ آنجا که فرمانده کل قوایش ولایت فقیه باشد. خدایا! به درجهٔ یقینی رسیده‌ام که مبارزهای که علیه باطل در پیروی از امامت عدل صورت بگیرد، اگر منجر به مرگ شود، زیباترین چهرهٔ شهادت را مقدر است. اما شهادت تجلی یک مفهوم پربار و گستردهٔ انسان‌ساز [و] حرکت‌آفرین و [ضد] ظلم و ستم، در وجودم [است]. از روزی که با دم مسیحایی امام فهمیدم که کیستم و وظیفه‌ام چیست، در هر زمان و مکان برای مبارزه با آن چیزی که [با] اسلام عزیز سر تضاد دارد، با توفیق تو ای خدای بزرگ! خود را آمادهٔ شهادت کردم. شهادت ای جوهر خلوص، ای مصداق صداقت، ای مفهوم پاکی، ای واژهٔ [ضد] ظلمت، ای نمودار نور، ای زادهٔ خشنودی رب، ای آیت رهبری عدل! من تو را دوست دارم و مشتاق توأم. بارالها! مرگ مرا شهادت در راه خودت قرار بده.

❁ شهید جواد معتمدی محمدآبادی (1361-1340 اصفهان)

مرگ آخر زندگی نیست، بلکه بلا و مصیبت این جهان¹ را به زندگی طیبه و بی خوف و دغدغه آن جهان تبدیل می کند. بنابراین، مرگ هرکسی فرا خواهد رسید و کسی نمی تواند از آن فرار کند؛ چه بهتر که مرگ، انتخابی در راه خدا و برای رضایت خدا و برای یاری دین خدا و اطاعت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و پیروی ائمه (علیهم السلام) و اولیای خدا باشد.

❁ شهید یدالله مؤمن پور (1366-1334 رودسر)

همه بدانید که من این راه را آگاهانه انتخاب نموده ام و کشته شدن در راه خدا را برای خودم افتخار بزرگ می دانم و ای کاش هزاران جان داشتم و همه را در راه خدا می دادم و اگر شما می دانستید که قدم برداشتن در راه خدا و جان دادن در راه معبود چه لذتی دارد و رضای خدا چه شور و شوقی برای انسان دارد، حتی یک لحظه هم از یاد خدا غافل نبوده و به فکر آخرت خویش بودید و این قدر در راه دنیا قدم بر نمی داشتید.

❁ شهید عبدالمحمد مؤمنی (1361-1332 تویسرکان)

وقت انتخاب کردن مرگ نزدیک است. آری! انتخاب مرگ دلخواه. من این راه را آگاهانه انتخاب کرده ام و در مسیرش گام برمی دارم، شاید [جزو] سپاهیان رستگار شوم.

1- در اصل وصیت: جهانی

🔖 شهید میر محمد میر جعفر پور اشرف (1364-1333 بناب)

آگاهانه به سوی تجلی‌گاه‌های نور بر مکتب عشق و شهادت قدم می‌گذارم که شاید خون کثیفم کفاره گناهانم باشد، ولی افسوس که برای فدا کردن یک جان دارم.

🔖 شهید جمشید میرزایی (1362-1342 میانه)

مگر نه این است که همه ما باید بمیریم؟ پس چه بهتر که در جبهه دفاع از حق در مقابل باطل و در رکاب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بجنگیم و شهید شویم. سرور آزادگان، امام حسین (علیه السلام) می‌فرماید که: «مرگ باعث بهتر از زندگی ننگین است.»

🔖 شهید هاشم نادری (1361-1331 بافت)

شهادت‌طلبی برای آن دسته از انسان‌هایی که امامشان، علی (علیه السلام) و زعییم و فرمانده و قائدشان، خمینی [است] و اندیشه‌هایشان از وابستگی [به] بینش‌های مادی و دل‌هایشان از زنگارهای مادی صیقل داده شده، بسیار سهل است؛ چرا که همه آرمان و هم و غم چنین انسان‌هایی خداست و راه یافتن به پیشگاه حضرتش، راه یافتن به چنین آرمان والایی و حضور در پیشگاه خدا در گرو جنگ با کافران و منافقین و نفس درون است. شهادت پلی است جهت ملاقات با خدا و آنچه که به عنوان نهایی‌ترین آرمان جنگ [به] شمار می‌آید. در زندگی‌مان همه یکسان به مرگ می‌رسند، اما همه یکسان زندگی نکرده‌اند. زندگی، راه است و مرگ، مقصد؛ باید در

راه دادخواه بود، دادگو و دادگر. من اکنون به مرگ می‌رسم و این مقصد من است. مرگ، زندگی‌ام را معنی می‌کند. اگر خوب زیسته باشم، مرگم پیروزی است.

❁ شهید همایون نصیری هرچگانی (1364-1344 شهرکرد)

برای پیروزی می‌جنگیم و در این راه، بنا به فرمایش امام «چه بکشیم و چه کشته بشویم، پیروزیم» و اگر چنانچه کشته بشویم، به مقام عظمای شهادت نائل می‌شویم که در مورد مقام شهید، همین بس که شهدا در پیشگاه خداوند «عند ربهم یرزقون»¹ هستند و چه زیباست که انسان با فرق خونین به لقای یار برسد و با ملائکه و حور العین هم‌پرواز شود و در جوار ایشان² از انوار الهی کسب نور نماید و بهره‌مند گردد.

❁ شهید احمدعلی نقدی زمانی (1365-1343 ملایر)

جبهه جایگاه عاشقان [بی است که] به سوی معشوق روان‌اند و عاشقان عزیز هستند و اگر خدا کسی را دوست بدارد، آن را عزیز می‌کند و آنگاه او را می‌کشد و به سوی خود فرا می‌خواند و خودش خون‌بهای آن، یعنی شهید خواهد شد. خدایا! راضی هستم به رضای تو.

1- اشاره به «و لا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احياء عند ربهم یرزقون»؛ سوره آل عمران، آیه 169

2- در اصل وصیت: در جوار هم

شهادت شهید سیدعبّاس نوربخش (1362-1338 کلپاگان)

وای که چه معامله پرسودی! خداوند با کرامت خود بنده‌اش را مورد لطف قرار داده و چنین لیاقتی به او عطا کرده و آن قدر وی را به درجات عالی سوق داده که مشتری وی شده، اما نه از برای انتفاع خویش (که او مولاست و آنچه در زمین و آسمان [است از] او است)، بلکه به خاطر نجات بنده‌اش از عذاب آخرت و آمرزش خطاهای مرتکب شده و نافرمانی‌ها و عصیان‌ش در برابر خالق. شهدا به چنین معامله‌ای تن داده و ندای پروردگارش را لبیک گفته و با کمال خلوص و از روی آگاهی، به ملاقات خدایشان شتافتند و کالای جانشان [را] که عزیزترین چیزشان [است] - و نه عزیزترینشان [که] الله و اسلام و رسول و ائمه (علیهم السلام) [است] - [تقدیم نمودند]. ... آری! شهدا بودند که به ندای «هل من ناصر ینصرنی» حسین زمان، خمینی، پاسخ مثبت داده و برخاستند و جوشیدند و کوشیدند و جهاد فی سبیل الله را اختیار کردند و خطّ سرخ حسینی را طی نموده، مرگ را به اسارت خویش درآوردند و آنان‌اند انتخاب‌گرانی راسخ که شهادت را برگزیدند و در دنیا رستگار شدند که در دنیا خونشان می‌جوشد و انسان‌ها را به تحرک وادار می‌دارد و در آخرت این گروه‌اند که خداوند آنان را متنعم می‌گرداند.

شهادت شهید علی اکبر نیکو (1364-1336 سمنان)

شهادت، آواز رفتن است که از دل‌های غمین و از دل‌های عاشق و معشوق¹ برمی‌آید. شهادت، سروشی است که زنده‌های قفس آهنین زندگی را در هم می‌کوبد و انسان را به سوی مطلق و لایتناهی فرا می‌خواند. این دنیا با تمام زرق و برق‌ها و

1- در اصل وصیت: عاشق در معشوق

زیبایی‌های انبوه و عظیمش، آدمیان را در خود فرو برده و هر روز از وجود و شیرۀ جان[شان] می‌مکد و در این میان، انسان‌هایی شاد و خرم هستند که فقط برای خدا و رضای او عمل کرده‌اند و [همین] توشۀ آخرت را با اعمالی صالح پر نموده‌اند. شهادت، این زیباترین سرود زندگی، این عظیم‌ترین حماسه، خدایی است و آغاز زندگی است، زندگی جاویدان و همیشگی. خوشا به حال آن شهدایی که مورد تأیید و قبول درگاه خداوند قرار بگیرند.

❁ شهید علی هژبری ماهانی (1361-1331 کرمان)

آگاه باشید! لحظه‌ای که تصمیم بر این مهم [شهادت] می‌گیرید، جزو جند الله می‌شوید و شستشوی گناهانتان آغاز و زنگار قلبتان پاک خواهد شد و همچون آینه صیقلی می‌شود. آن وقت است که خدا را می‌بینید و عشق معشوق، همه‌ی علایق را از وجودتان محو می‌کند. تنها شوق پرواز [هست و] هرچه سریع‌تر وصال را احساس می‌کنید. بدانید که¹ اگر در این راه پرافتخار، جسمتان پاره پاره شد، مهماندار شما در بهشت، خدای حسین (علیه السلام) است و اگر در این راه، دست‌های خود را فدا کردید، مهمان ابوالفضل اید. اگر فرقتان شکافت، علی اکبر (علیه السلام) به شما خوش آمد خواهد گفت. چه لذت‌بخش است دوستی محمد و آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم).

1- در اصل وصیت: زنهار

☞ شهید علی اصغر یاری بروجنی (1364-1340 بروجن)

برادران عزیزم! همان گونه که برای به ثمر رسیدن انقلاب اسلامی و در طی [دوره] چند ساله انقلاب تلاش و کوشش نموده و در صحنه بودید، همان گونه در صحنه بودن خودتان را حفظ کنید و در جهت شناخت اسلام و احکام قرآن و تعلیم آن به دیگران بیشتر تلاش و کوشش کنید. بگویید که شهادت یک مرگ و موت معمولی نیست، بلکه معامله‌ای است بین انسان خاکی از یک طرف و منشأ لطف و رحمت از طرف دیگر و کالای مورد معامله، جان انسان است از یک طرف و طرف دیگر بهشت جاودانه؛ باید در این معامله، انسان هوشیار باشد.

☞ شهید کرم‌علی یازرلو (1360-1336 گرگان)

ما در عصری زندگی می‌کنیم که ظلم، سراسر جهان را فرا گرفته است. [عدالت باید] در سایه توحید برقرار گردد. من به طور یقین درک کرده‌ام که شهادت، تصادفی نیست، بلکه لیاقت و سعادت است بزرگ.

☞ شهید گل‌محمد یوسفی (1367-1342 یاسوج)

ای خدای من! مرا به دوستانم که در راه تو به شهادت رسیده‌اند، برسان و مرا در راه جهاد فی سبیل الله ثابت قدم بدار. کاری [کن] که بتوانم این فریضه واجب الهی را با جان و دل و تا نقطه اوج آن، با موفقیت به پایان ببرم. به بچه‌هایم بگویید که پدرتان رفت پهلوی حسین (علیه السلام) و شهید شد و نگویید مُرده، شیون و گریه

نکنید و بدانید که ما راه و خطّ خود را انتخاب کرده‌ایم که همانا راه انبیا و اولیا و شهدا، راه حق¹ است.



1- در اصل وصیت: و راه حق

■ بخش سوم: تداوم راه شهدا؛ ادای تکلیف شرعی ■

✎ شهید جهانبخش آخری (1362-1334 اردبیل)

راه شهدا را هرگز به باد فراموشی نسپارید؛ زیرا خون این عزیزان بود که کشور اسلامی را از دست رژیم بعثی و صهیونیستی دولت عراق که به خیال خویش امیدوار بود که در عرض یک هفته، ایران را به تصرف خود درخواهد آورد، آزاد کرده و می‌کند. خون این شهیدان بود که اسلام خشک و خالی از اسلام [واقعی را که] در سطح جهان باقی مانده بود، [زنده کرد] و [آن‌ها] ثابت کردند که مطابق آیه «و من یبتغ غیر الاسلام دیناً فلن یقبل منه» (سوره آل عمران؛ آیه 85)، بهترین طریقت و بزرگ‌ترین دین در پیشگاه خداوند متعال، اسلام است و بهترین سنت، سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است و هیچ دینی در نزد پروردگار دارای ارزش و مقامی [نبوده] و مورد قبول پروردگار نیست، آلا دین اسلام.

🔖 شهید ابوالفضل اسدی عراقی (1366-1344 ا.را)

مواظب باشیم به عادی‌نگری دچار نشویم و مسئله شهدا برایمان عادی نشود.

🔖 شهید علی‌اکبر اسماعیلی (1365-1344 فردوس)

ای برادرانم! از شما می‌خواهم تا آنجایی که می‌توانید و توانایی دارید، برای برپایی اسلام مجاهده کنید که اسلام بی‌یاور نماند و خون شهیدان پای‌مال نشود. امیدوارم که از ادامه‌دهندگان راهم باشید و نگذارید که اسلحه‌ام بر زمین بیفتد و شما خواهانم از سنگر خودتان حفاظت کنید و نگذارید که به اسلام لطمه‌ای وارد شود و حجاب و عفت اسلامی را کاملاً رعایت کنید و بعد از شهادتم زینب‌وار عمل کنید و پیام شهیدان را به دیگران برسانید.

🔖 شهید غلام‌رضا اشتری (1361-1319 سمیرم)

این جانب سال‌های سال بود که در روز عاشورای حسینی همانند سایرین در عزاداری این پیروزکننده خون بر شمشیر شرکت می‌نمودم و شمه‌ای از خاطرات آن بزرگ‌مرد و ناجی مستضعفان از قید مستکبران را می‌شنیدم و با خود می‌گفتم: ای کاش من هم در آن روز بودم و در زیر پرچم خونین «لا اله الا الله» وی به مبارزه با یزیدیان می‌پرداختم و هیچ‌وقت در این فکر نبودم که در هر عصر، در طرفی حسین (علیه السلام) و در طرفی دیگر یزید به سر می‌برد. منتهی ما بندگان کوتاه‌بین، شعور شناخت‌چنین افرادی را نداشته و نداریم. باری! به حمد خدای سبحان، پرچم خونین و گردگرفته حسین (علیه السلام) در عصر حاضر به وسیله فرزند برومندش، خمینی‌بت‌شکن، این حسین زمان، بار دیگر به اهتزاز

درآمد و کربلای حسینی در جلگه خوزستان و دیگر نقاط مملکت عزیزمان، بنا به تحریک یزیدیان زمین [و] ابرجنایتکاران قرن تکرار شد و در این موقع بود که عاشقان شهادت از تمام گوشه و کنار مملکت عزیزمان به پا خاسته و با هدیه عزیزترین چیز خود که همان جان است و امانتی [است] از خداوند، به سوی جبهه‌ها روی می‌آورند و به ندای حسین (علیه السلام)، [یعنی] «هل من ناصر ینصرنی» پاسخ می‌گویند.

❁ شهید عبدالرضا اطهری صحت (1366-1351 رزن)

به مردم مسلمان و رزمنده و غیور ایران می‌گوییم که راه شهیدان را ادامه دهید و بدانید که راه شهیدان، همان راه اسلام و راه رهبر عزیز و عالی‌قدر ما و امام امت، خمینی بت‌شکن است و به دستورات گرانبهای امام گوش فرا دهید تا به رستگاری برسید.

❁ شهید عبدالحمید اعتصامی فرد (1365-1335 فسا)

تا کفر است، مبارزه است و تا مبارزه است، انسان مسئول [است]؛ پس بنا به وظیفه یک انسان مسئول، این‌جانب از خداوند بزرگ خاشعانه می‌خواهم که مرا در ادامه راه حسین (علیه السلام) هدایت و [دارای] مقام گرداند. می‌دانم که انسان، رفتنی است؛ چه خوب است که از دریچه نجات وارد شویم. خدایا! مرا از آن راه که خود دوست داری، یعنی شهادت، ببر.

شهادت شهید احمد امامی بافرانی (1361-1342 نائین)

زیر آسمان کبود غوغایی برپاست. نسیم الهی همه جا را معطر کرده. چهره‌های دوستان، نورانی است و با قامتی استوار، انتظار می‌کشند. آتش عشق وجودشان را می‌سوزاند و دیدار معشوق، آرامش خاطرشان می‌دهد. بر لب، نغمه الهی دارند و صدای «یا مهدی» شان سکوت حاکم را در هم می‌شکند ... عزیزان! شهدای عزیزمان از سمیه و یاسرها گرفته تا امام حسین (علیه السلام) و یاران او و شهدای نهضت اسلامی، همه و همه، حقایق این مکتب را به اثبات رسانیده‌اند. امید که با درس گرفتن از این مکتب و با درس گرفتن از انقلاب خونین ثار الله و با پیروی از روح الله پرچم خونین اسلام را در افقی گلگون در سراسر جهان به اهتزاز درآوریم و دست در دست محرومین جهان، آوای پیروزی بخوانیم.

شهادت شهید الله‌قلی انصاری (1360-1331 ممسنی)

حقیق با شناخت و آگاهی که از فلسفه شهادت دارم، می‌خواهم پاسخ مثبت دهم و عاشقانه به طرفش می‌شتابم. هدف من جز رضایت خداوند و انتقام خون شهیدان، چیز دیگری نیست. چه پیروزی و چه شهادت، در هر حال پیروزی است و با تمام رگ و پوست و استخوانم به طرفش می‌شتابم. به خون تمام گلگون‌کفنان سوگند که تا آن اندازه که می‌توانم انتقام خون به ناحق ریخته آن‌ها را از این کافران می‌گیرم. در زندگی تاکنون نتوانسته‌ام که خدمتی کنم، شاید مرگم در دیگران اثری داشته باشد و خداوند هم من عاصی را بیامرزد. با تمام شهدا پیمان می‌بندم ... که تا قدرت در بدن دارم، انتقام آن‌ها را که جز رضای خدا چیز دیگری نیست، از این حزب کافر بگیرم.

➤ شهید عطاءالله اویسی (1366-1334 فسا)

ای برادر و خواهر حزب الله! شما اکنون وارث خون هزاران شهیدی [هستید] که در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل و علیه ظلمت و الله علیه شیطان، با فریاد «یا حسین، یا حسین»، دنیا و متعلقات این دار فانی را وداع گفته [اند] و شما وارث خون شهدایی هستید که خونشان، بیابان‌های خشک و کویر بی‌آب و علف را سرسبز کرده [است]. برادر و خواهرم! بدان [که] خون گرم و سرخ این عاشقان ثار الله (علیه السلام) و آقا بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یاوران و امت رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) و شیعیان خاص و شهید محراب، امام علی (علیه السلام) ولی الله و دشمنان عدو الله، تاریکی‌ها و ظلمت را روشنایی بخشیده و دل و قلب سرد و مرده و منجمد ما را روحی تازه بخشیده [است]؛ پس باید شما هم راه آن‌ها و هدف [آن‌ها را] پیشه^۱ خود سازید. برادر و خواهر حزب الله! چه زیباست کشته شدن در جبهه‌ها و چه غرورآمیز و شگفت‌آور است شهادت و چه افتخارآفرین است کشته شدن برای هدفی مقدس و به سوی معبود و معشوق خود پرواز کردن و از عالم خاکی و زندان دنیا خلاص شدن. طبق فرمایش رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم): «الدُّنْيَا سَجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ»؛ «دنیا زندان مؤمن است و بهشت کافر.» و چه سخت است [تحمل آن] برای عاشق آقا بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف).

1- در اصل وصیت: پیشرو

✎ شهید محمدابراهیم باقری (1365-1341 آبدان)

خدایا! این بار با دلی پاک و قلبی شکسته و دلی خسته، شروع به نوشتن وصیت‌نامه می‌کنم. امید اینکه این آخرین وصیت‌نامه‌ای باشد که می‌نویسم. خدایا! سال‌هاست که در آرزوی شهادت به سر می‌برم و هر بار که به شهر و دیار خود می‌روم و چهرهٔ پدران و مادران و فرزندان معصوم و همسران و خواهران شهدا را می‌بینم، تاب و تحمل ماندن برایم نمی‌ماند. خدایا! چگونه بینم این همه ایثار این امت را و باز هم در خانه بمانم و کاری نداشته باشم؟ البته نگویید نه! [که] ما از دنیا سیر شده‌ایم. می‌دانیم [که] جای انسان و هدف خلقت انسان، خیلی والاتر از این دنیای فانی و زودگذر است.

✎ شهید علی باقری فرادنبه (1364-1331 بروجن)

امروز شهیدان، پیام خویش را با خون گذاشتند و رو در روی ما بر روی زمین نشستند تا تشنگان تاریخ را به قیام بخوانند و اکنون ماییم که مسئول اجرای پیام‌شانیم؛ پیامی که با اهدای خون خویش بر قلب‌ها نوشتند؛ آن‌هایی که در راه حصول شرف و حیثیت انسانی جنگیدند و شربت شهادت نوشیدند تا ما را با معنای انسانیت و وظایف انسانی آشنا سازند و شهید بزرگوارمان، معلم شهید، علی باقری که خود از مکتب حسینی درس می‌گرفت و عاشق و دانش‌آموز سیدالشهدا بود، کلاس درسش را که غرق در صفا و صمیمیت و تعلیم ایثار و عبادت بود، رها کرد و به دانشگاه جبهه‌ها رفت تا در مکتب‌خانهٔ آن دیار، درسی ماورای ادراک بشری بیاموزد و با اهدای خون خویش، دانش‌آموزانش را از طریقی بهتر به سوی کمال انسانی رهنمون شود ... به فکر آن کودک 14 ساله و آن پیرمرد 80 ساله باشیم که در جبهه

مشغول نبردند و آن‌ها که لیاقت رفتن داشتند، رفتند و حالا ما مانده‌ایم و پیام خون شهیدان که این خود، مسئولیتی بزرگ است.

✽ شهید علی بختیاری (1365-1342 ابهر)

ای ملت عزیز! شماها مدیون شهدا هستید. اگر از خونشان پاسداری نکنید و حاصل زحمات آن‌ها را هدر دهید و اگر لحظه‌ای در انجام این وظیفه خطیر کوتاهی کنید، خداوند به شما لباس ذلت می‌پوشاند. پدر و مادر عزیزم و برادر و خواهرانم! اگر من به شهادت رسیدم، بدانید که محبوب خود را یافته‌ام که سال‌ها عشق او مرا آرام نمی‌گذاشت و بی‌قرارم ساخته بود و شما در شهادت من گریه نکنید تا بدین وسیله دشمن را شاد نگردانید.

✽ شهید مهدی پروانه (1361-1339 تبریز)

چه روز پر مسئولیتی! روزی که حسین (علیه السلام) با دادن خون خود و خون 72 تن از یاران باوفای خود در مقابل ظلم و ستم استکبار جهانی گردن خم نکرد و با هدیه خون پاک بهترین یاران خدا، چشم امام منتظر و چشم مستضعفین را روشن کرد و [ایشان] با از خودگذشتگی و ایثار جان‌های خود توانستند دشمن کافر را با آن قدرت ظاهری، رسوای جهان کنند و ضمناً درسی به انسان‌های مؤمن بدهند. به این معنی که حسین (علیه السلام) و حسینیان هیچ وقت تن به ذلت نمی‌دهند و مرگ سرخ را به زندگی ننگین ترجیح می‌دهند و ما هم باید درس‌مان را از حسین و یاران حسین (علیه السلام) بگیریم: درس فداکاری، درس جانبازی، درس از خودگذشتگی و درس زندگی، یعنی چگونه زیستن را و چگونه مردن را. ما باید چگونه ایستادن را در مقابل کفر و در

مقابل دشمنان خدا و قرآن و حسین (علیه السلام)، از کربلا یاد بگیریم؛ چون مسئولیت داریم به دیگران که می‌خواهند راه حسین (علیه السلام) را بروند، یاد بدهیم. ولی حالا همه‌جای ایران، کربلا و هر روز آن عاشوراست، یعنی پایداری و از خودگذشتگی و سوختن در راه خدا.

☞ شهید امین‌الله ترکی هرچگانی (1364-1345 شهرکرد)

مسلمانان! فرزندهای خودتان را برای دفاع از اسلام آماده سازید و آن‌ها را برای شهادت در راه خدا تربیت کنید. من ننگ داشتم از اینکه در این برهه از زمان در رختخواب ذلت بمیرم. آری، ای ملت غیور! امروز کمر همت ببندید تا با یاری خدا بتوانید انتقام خون به ناحق ریخته این شاهدان همیشه جاوید را بگیرید که همان آزادی قدس و کربلای حسینی و به اهتزاز درآوردن پرچم پرافتخار و خون‌رنگ حسین (علیه السلام) در تمامی بلاد مسلمین است.

☞ شهید جعفر اهلی گرمی (1359-1332 اردبیل)

اگر شهید شدم، برای من گریه نکنید، بلکه پدر جان و مادر عزیزم و برادران گرامی! اسلحه مرا به دست بگیرید و راه مرا ادامه دهید و نگذارید خون هزاران شهید به خون خفته هفده شهریور تهران که به خاطر ما ملت ایران ریخته شده بود، پای‌مال شود.

🌀 شهید محمد جعفر پور بروجنی (1364-1339 بروجن)

از دو خواهر عزیزم می‌خواهم که از زینب (سلام الله علیها) در صحنه عاشورا درس بگیرند. اگر زینب (سلام الله علیها) در صحنه کربلا نبود، ممکن بود خون حسین (علیه السلام) پای مال شود. شما هم زینب گونه باشید. شنیده‌اید که زینب (سلام الله علیها) چگونه به شهادت رسیدن برادر و یارانش را دید و چگونه پیام خون برادر را به همه جهانیان رساند. مسئولیت شما نیز سنگین است. نماز را ترک نکنید، قرآن بخوانید و پیرو رهبر عزیزمان باشید. ان شاء الله که برادر حقیرتان را حلال خواهید کرد.

🌀 شهید علی اکبر جعفری چاقه (1365-1338 مشهد)

افسوس که در پی خوابی، ولی هر دم و هر لحظه صدای قطرات خون شهیدان که بر زمین می‌چکد، باید به بیداری‌ات کمک کند. مگر فریاد شهیدان در لحظات واپسین زندگی را که ندای رسیدن به خدا [را] سر می‌دهند، نمی‌شنوی؟! خواهش می‌کنم بیدار شوید و توشه‌ای برای آخرت خود جمع نمایید و آماده رفتن شوید که همگی مان رفتنی هستیم.

🌀 شهید میرزا یحیی حسینی (1365-1343 مشهد)

«هان ای شهیدان! در جوار حق تعالی آسوده خاطر باشید که ملت، پیروزی شما را از دست نخواهد داد.» (امام خمینی) [برادر و خواهرم! شما هستید که باید راه شهیدان را ادامه دهید تا آن‌ها آسوده خاطر باشند و با بادی که از طرف منافقان و از خدا بی‌خبران می‌وزد، از پا در نیایید و همیشه آن‌ها را سرکوب کرده و پوزۀ آن‌ها را به خاک مذلت بمالید تا خدمت به اسلام و انقلاب کرده باشید.

✽ شهید محمدرضا حقیقی (1361-1335 مشهد)

این انقلاب، شهیدان باارزشی همچون بهشتی‌ها، مطهری‌ها، باهنرها، رجایی‌ها، هاشمی‌نژادها، دستغیب‌ها، مدنی‌ها و شهدای دیگری را هدیه در راه خدا نموده است¹ و این‌ها نباید اولین و آخرین شهدای ما باشند. ما با ابرقدرتی در جنگ هستیم که تمام سلاح‌ها را در اختیار دارد، ولی ما با نیروی ایمان می‌جنگیم که مافوق همهٔ سلاح‌هاست و ان شاء الله پیروز خواهیم شد و نشان خواهیم داد که سلاح‌های مدرن روز در مقابل نیروی ایمان، صفر است.

✽ شهید غلامرضا داورزنی مقدم (1366-1341 سبزوار)

آیا شهادت ادامهٔ راه حسین (علیه السلام) نیست؟ شما به کسانی که این مسیر سرخ شهادت را طی کرده‌اند، نگاه کنید. به اعمال من عاصی ننگرید. در میان این شهیدان، انسان‌هایی هستند که به تمام معنی به اخلاص رسیده‌اند. رهروان راه سرخ ولایت فقیه، همین انسان‌هایی هستند که در جبهه و در پشت جبهه به جنگ فکر می‌کنند.

✽ شهید محمدموسی ربّانی پایهان (1364-1342 قائنات)

سلام بر شهدای گلگون کفن اسلام، از آدم تا به خاتم و از خاتم تا به کربلای حسینی و از کربلای خونبار حسینی به کربلای ایران و خوزستان و به خصوص شهدای مظلوم کردستان عزیز و سلام بر ملت شهیدپرور ایران. امیدوارم بتوانیم ادامه‌دهندگان راه پربار [و] حسین‌گونهٔ آنان باشیم، ان شاء الله. «والذین آمنوا من بعد

1- در اصل وصیت: نموده‌اند

و هاجروا و جاهدوا معکم فاولئک منکم»¹؛ «و کسانی که از آن پس ایمان آوردند و مهاجرت کردند و با شما در جهاد همگام شدند، اینان از مؤمنان راستین اند.»

✽ شهید حمیدرضا رحمانی میاندهی (1363-1339 مشهد)

برادران عزیزم در مسجد مالک اشتر! مگر حمید رجبیان، امیر، عباس و حسن اسماعیل زاده، سیدحسن حسینی و دیگر شهدای عزیز مسجدمان و همچنین مفقودین و آسرا، آیا ما همه با هم یک هدف نداشتیم؟ مبادا اسلحه خونین این عزیزان، تنها و بی کس رها شده باشد. نکند خدای ناکرده جبهه و جنگ را فراموش نمایید. مبادا امام عزیزمان را بی یار و یاور بگذارید. مبادا عزیزانم! سنگر مسجد را رها نمایید. برادران عزیزم! همگی با هم دوست باشید و با یکدیگر برادر باشید. با هم یکی باشید.

✽ شهید محمدجواد رضایی (1366-1347 مشهد)

قرآن می گوید: «أنا لله و أنا الیه راجعون»². همه روزی به سوی خدا باز خواهیم گشت؛ پس چه بهتر، مرگ را خونین انتخاب کنیم؛ چرا که ما خود را پیرو امام حسین (علیه السلام) می دانیم و باید حسین گونه زندگی کنیم و حسین گونه به شهادت برسیم. برادران و خواهرانم! امروز رزمندگان ما، حسین گونه می جنگند و حسین گونه به شهادت می رسند. باشد که ادامه دهندگان راه واقعی شهدا باشیم. بار خدایا! تو

1- سوره انفال؛ آیه 75

2- سوره بقره؛ آیه 156

خودت آگاهی که شهادت خواسته دل من بوده [است]؛ چون من خودم را قطره‌ای از دریای بیکران و خیل عظیم شهدا می‌دانم.

❁ شهید علی رضایی سردره (1365-1333 بندرعباس)

چگونه شهادت جوانان عزیز این مرز و بوم که امید آینده انقلاب بودند، تو را از جاذبه‌های و چهره‌ها را برای مبارزه در هم نکشید. در گذر زمان، چهره‌هایی می‌آیند و می‌درخشند و سپس خود می‌روند، اما درخشش آن‌ها تا ابد باقی است. حسین (علیه السلام) آمد؛ به مانند آفتاب درخشید؛ خود رفت، اما شعله فروزان او تا ابد روشنی بخش دل‌های پاک و بی‌آلایش انسان‌ها گشت. شهدای دیگر نیز آمدند، روشنی بخشیدند در جان نزدیک به مرگ مردم، نور حیات دمیدند و آن‌ها را شعله‌ور ساختند و خود به دیار دوست شتافتند و پیام دادند که این‌گونه بیاید که خداوند شما را خون‌آلوده می‌خواهد.

❁ شهید نورالله سبزواری (1363-1338 اصفهان)

برایم گریه نکنید که شهید گریه نمی‌خواهد، بلکه رهرو می‌خواهد و من به میهمانی خدا رفته‌ام و این میهمانی و ضیافت را خود با آگاهی کامل و معرفت انتخاب کرده‌ام.

✎ شهید ابوذّر سعادت‌ی فر (1361-1337 کهکیلویه)

ما رفتیم تا خون خود را در پای درخت اسلام بریزیم تا بارور شود و در تمام نقاط جهان شاخه بگسترده و تمام ملت جهان در زیر سایه این درخت تنومند، آزاد زندگی کنند. شما هم خطّ ما را دنبال کنید و دست از دو قبیل [گی] بردارید.

✎ شهید همایون سلیمانی (1366-1350 کازران)

برادران عزیزم! ادامه‌دهنده راه شهدا باشید و بدانید که برادران در راه خداوند با درس گرفتن از مولایش اباعبدالله (علیه السلام) به شهادت رسید.

✎ شهید احمد شرافت‌دوست (1365-1345 تهران)

ای امت شهید‌پرور! یاد شهدا را زنده نگه دارید. مزار این عزیزان، خلوت [است]، ولی گردشگاه‌ها و پارک‌ها، مملو [از] جمعیت است.

✎ شهید ایوب صادقی (1364-1333 فیروزکوه)

برادران عزیز و دوستان خوبم! اگر من شهید شدم، از شما می‌خواهم که راه مرا ادامه دهید و نگذارید که اسلحه‌ام روی زمین بماند و به دشمنان اسلام بگویید این شهدا که چیزی نیستند، بهشتیان و چمران‌ها را دادیم و از این شهادت‌ها ترس و واهمه نداریم، بلکه از صمیم قلب و با کمال افتخار می‌پذیریم.

✎ شهید احمدرضا طاهری (1365-1339 فریدن)

محلّ کار: کربلای ایران، دانشگاه عظیم جنگ، کلاس شهادت [و] عشق به الله؛ استاد ساعت اول: آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)؛ جانشین و قائم [مقام] امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف): رهبر کبیر انقلاب خمینی؛ محصلین کلاس بالاتر: بهترین کسانی که دل از دنیا بریده‌اند و لخت و عریان از دنیای مادیات گذشته‌اند. بشتابید به سوی میدان آزمایش که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منتظرند. بشتابید که وظیفه شمامست. بشتابید ای عزیزان!

✎ شهید حمید غیبی (1363-1341 تهران)

از شما خواهران و برادران عزیز تقاضا دارم در مراسم تشییع جنازه‌ام که تشییع جنازه یک شهید است، به خاطر شادی روحم [شرکت کنید]. شیرینی و نقل و شکلات پخش کنید و بخندید؛ زیرا که با مرگم و با این شهادتی که نصیب من حقیر شده، به معنای واقعی رستگار شده‌ام و به لقاء الله خواهم پیوست و از شما عزیزان می‌خواهم که در مراسم شب هفت و مراسم اربعین، اعمالی را انجام بدهید که یادآور راه شهید و تذکراتی در زمینه شهادت و جهاد در راه خدا باشد و از شما می‌خواهم این سنت الهی را توجه زیادی بهش داشته باشید و با تجمع خودتان در این‌گونه مجالس، روح پاک شهدای اسلام را شاد کنید.

✎ شهید یعقوب فتحی‌وند محبوب‌آباد (1362-1339 مرند)

ای حسین، ای سرور و سالار شهیدان، ای معلّم کبیر شهادت! با شهادت خودت درس آزادگی و آزاد زندگی کردن را به ما آموختی. ای حسین! ای که مرگ سرخ را

انتخاب کردی و عاشقانت را از مرگ سیاه رهندی تا مرگ در رختخواب را انتخاب نکنند و تویی که با هر قطرهٔ خونت، امت مسلمان را حیات دیگر دادی و حیات جامعه و تاریخ را به تپش درآوردی و کالبد مردهٔ ما را به جوشش درآوردی و تو ای سالار شهیدان! یک درس بزرگ‌تر، از شهادت خود به ما آموختی و آن درس، نیمه تمام گذاشتن مراسم حج بود و تو این حج را نیمه تمام گذاشتی و شهادت را برگزیدی و امروز، شیعیان صدیقت راه تو را طی می‌کنند. امروز نوجوانان و جوانان و پیران ما از وطن خود، از خانه و کاشانهٔ خود و از اهل و عیال خود، از پدر و مادر خود خداحافظی کرده و در مقابل ظالمان تاریخ که قصد ریشه‌کنی انقلاب تو را دارند، به جبهه‌ها می‌روند و چه بسا بسیاری از آن‌ها به لقاء الله می‌پیوندند.

✎ شهید بهمن کامروان (1365-1342 فسا)

ایها الناس! شما تاکنون شهدای زیادی را تشییع کرده‌اید و وصایای زیادی از این عزیزان را مطالعه نموده‌اید، ولی آیا تا به حال در عمق مفهوم کلماتی که در آن [وصایا] ذکر کرده‌اند، اندیشیده‌اید؟ و آیا می‌دانید آن لحظه‌ای که این مطالب را می‌نوشته‌اند، چه حالی داشته‌اند؟ مسلم بدانید که در کلمه کلمهٔ آن بسیار اندیشیده و همهٔ جوانب را در نظر گرفته و آنگاه آن را می‌نویسند؛ زیرا آنان خود را در عالم دیگری حس می‌کنند و می‌دانند که بالاخره دیر یا زود باید در پیشگاه خداوند متعال در برابر کلمه به کلمهٔ آن، مسئولیت به عهده گرفته و پاسخگو باشند. بنابراین، اولین سفارش من این است که وصایای شهدا را به دقت مطالعه کرده و به آن عمل کنید. به خدای بزرگ سوگند که شما نیز در برابر کلمه به کلمهٔ این وصایا که مهم‌ترین آن، حفظ وحدت و اطاعت از رهبری است، مسئولیت دارید و باید در پیشگاه خداوند جوابگو باشید؛ زیرا آنان جان خود را به قیمت حفظ و یاری دین اسلام فدا کردند و

شما که مدعی پیروان این مکتب هستید، باید رهرو راه این عزیزان باشید و به این مطلب یقین پیدا کنید که بالاخره دیر یا زود، روح از قفس جسم آزاد شده و آن را ترک می‌گوید. پس هرچه علاقه روح به بدن و ظواهر دنیا بیشتر باشد، جان دادن سخت‌تر و بالعکس هرچه روح به این بدن خاکی بی‌علاقه بوده و مشتاق دیدار ملکوت‌اعلی باشد، بسیار شیرین و راحت آزاد خواهد شد ... آیا برای سفر، توشه‌ای برداشته‌اید؟ آیا از گناهان گذشته خویش توبه کرده‌اید یا خیر؟ در غیر این صورت وای بر ما! پس کمی به خود آییم و هدف از خلقت خود را بدانیم که چه بوده است.

➤ شهید سعیدرضا کاوه پیش‌قدم (1366-1343 نی ریز)

راه شهدا و زندگی شهیدان را الگوی راه خود قرار دهید. تقوا را از علی احسایی یاد بگیرید. اخلاص را از خلیل یاد بگیرید. مردانگی و بزرگواری را از اکرام‌پور یاد بگیرید. گذشتن از تمامی قیود دنیا و خود را وقف اسلام کردن را از علی‌اصغر یاد بگیرید. اهمیت به واجبات را از حمید یاد بگیرید. به خاطر خدا کار کردن و در عین حال گمنام بودن را از عابدین‌زاده یاد بگیرید. زندگی به خاطر خدا را از شریعت یاد بگیرید. استقامت و پایداری در جهاد و جبهه را از محمدحسین و پرهوده یاد بگیرید. زندگی‌تان و سراسر وجودتان را، همه و همه را با زندگی اینان تنظیم کنید و در عین حال تلاش کنید مخلص باشید و دلسوز اسلام تا خدا شما را کمک کند.

✦ شهید سیامک کبیری (1361-1338 سامان)

می‌دانم فردا مانند دیگر شهیدان از یاد خواهم رفت، اما هیچ‌کسی حق ندارد پول خون مرا بگیرد و هیچ‌کسی حق ندارد از خون من نردبانی برای مقام و نان و نام بسازد. خون من، هدیه به رهبر است و برای خداست و برای تداوم خون شهیدان.

✦ شهید ولی کیانی (1365-1339 اردبیل)

خون شهیدانی [را] که هدفشان جز استقرار حاکمیت الله بر روی زمین [چیزی دیگر] نبوده و مستضعفان جهان برای رهایی از ظلم و ستم جباران شرق و غرب چشم امید به انقلاب اسلامی شما دوخته‌اند، همواره پاسدار و نگهبان باشید و نگذارید منافقین و دشمنان خلق در لباس طرفداری از خلق اسلامی، [انقلاب را] که با خون خود بهترین عزیزان شما به ثمر رسیده، بازیچه هوس‌های نامشروع خود قرار دهند.

✦ شهید هدایت‌الله محمودیان (1365-1333 کازرون)

ای عزیزان! خون شهدا، عشق شهدا و یاد شهدا باید ادامه داشته باشد؛ باید راه [درست را] رفت؛ باید انتخاب کرد. هر کس در هر گوشه‌ای، در هر جایی که هست، باید این احساس را داشته باشد که شهدا چشم‌انتظارند. در رابطه با حرکت ما، شهدایی جان داده‌اند که ما حرکت کنیم؛ آن‌هایی که خون داده‌اند تا ما بیدار شویم ... برادران عزیز، دوستانم! ادامه راه این شهدا چیزی کوچک نیست؛ شاید کوچک بشماریم، اما مسئولیتی سنگین [بر عهده داریم که] از کوه‌ها هم سنگین‌تر [است] و مسئولیتی عظیم [می‌باشد] که از عزیزانمان هم عزیزتر و از زن و بچه عزیزتر، از خانه

و کاشانه عزیزتر، از پدر و مادر عزیزتر، شاید از خورد و خوراک هم عزیزتر است. راه این شهدا را ادامه دهیم.

✽ شهید خسرو (مهدی) ملک‌قصابی (1364-1344 تهران)

با سلام به روح پرفتوح شهدای راه حق، شهدایی که با الهام از مکتب سرخ حسین بن علی (علیهما السلام)، پشت پا به تمامی زرق و برق دنیوی زدند. کسانی که در راه اعتلای اسلام و حقانیت انقلاب، تمامی هستی خویش، حتی عزیزترین سرمایه خویش را در طبق اخلاص نهادند و مخلصانه به پیشگاه معبودشان اهدا کردند؛ کسانی که استواری‌شان و استقامتشان زبانزد عام و خاص است؛ کسانی که از کوهپایه‌ها و از فراز قلّه‌های رفیع اراده و تصمیم، پا فراتر نهاده و به دامن پرشکوه ستاره عروج کرده‌اند؛ کسانی که، بهتر بگوییم ستاره‌هایی که در پرتو نور پرفروغ خورشید حقانیت و هدایت ناظر بر اعمال ما هستند. نکند خدای ناکرده عملی از ما سر زند که موجب شرمندگی ما شود؟ شهدا باید نامشان و یادشان در تاریخ ثبت و ضبط گردد تا آیندگان بدانند که با ملّتی که دارای نعمت ولایت فقیه است، هرگز نتوان به ستیز برخاستن.

✽ شهید غلام‌رضا نگهداری (1365-1342 نیریز)

ای مردم! مرگ بالاخره به سراغ انسان می‌آید و یکبارہ انسان را به جهان دیگر ملحق می‌کند، ولی حیف است الان که در جهاد و شهادت باز است، انسان به خصوص جوانان عزیز در بستر یا در حوادث ناگوار دیگر جان خود را از دست بدهند. خیال نکنید می‌گوییم همه به جبهه بیایند تا شهید شوند. نه! هر کس در جبهه‌ای که

کار می‌کند جان دهد، شهید است. ولی خالی گذاشتن سنگر شهیدانی که در جبهه‌ها به لقاء الله پیوسته‌اند و برنداشتن اسلحه به زمین افتاده آنان، جرم بزرگی است. باید سنگرهای نبرد همیشه پر باشد؛ چنان‌که جای خالی هیچ شهیدی در سنگر آن احساس نشود.

✽ شهید علی‌رضا نوری (1365-1342 قزوین)

خدایا! می‌دانی که چه می‌کشم، می‌پندارم که چون شمع ذوب می‌شوم، از مردن نمی‌هراسم، اما می‌ترسم بعد از ما ایمان را سر ببرند و [حتی] اگر بسوزیم هم، روشنایی می‌رود و جای خود را دوباره به شب می‌سپارد. پس چه باید کرد؟ از یک سو باید بمانیم تا شهید آینده شویم و «آینده» بماند و هم باید امروز شهید شویم تا فردا بماند و هم باید بمانیم تا «فردا» شهید نشود. عجب دردی؟ چه می‌شد امروز شهید می‌شدیم و فردا زنده می‌شدیم تا دوباره شهید شویم. آری! همه یاران سوی شهادت شتافتند، در حالی که نگران فردا بودند. خدایا! ما با تو پیمان بسته بودیم که تا پایان راه برویم و بر پیمان خویش همچنان استوار ماندیم.

✽ شهید رضا ولیلویی (1361-1336 تبریز)

برادر عزیزم! درود بر شما که می‌دانم راه شهیدان را ادامه می‌دهید و اگر من شهید یا زنده ماندم فرقی نمی‌کند، [بالاخره] پیروز هستیم؛ چون من هدف خود را انتخاب کردم و هدف ما اسلام است نه چیزی دیگر. من از تک تک شما راضی هستم و امیدوارم که ان شاء الله شما [هم] از من راضی باشید و از برادران مهربانم و از همه ملت ایران تقاضا می‌کنم که راه شهید را ادامه دهند.

